

# فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران<sup>۱</sup>

زهرة عبدی دانشپور<sup>۲</sup>

استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

وحیده ابراهیم‌نیا<sup>۳</sup>

کلیدواژگان: سیاست‌گذاری یکپارچه، رهیافت‌های یکپارچه برنامه‌ریزی شهری، رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری، تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه، برنامه‌ریزی فضایی، شهر تهران.

## چکیده

برنامه‌ریزی شهری با عرصه‌های سیاست‌گذاری چندگانه‌ای روبه‌رو است که رویارویی با آن‌ها در جوامع گوناگون در زیرسیستم‌های تصمیم‌گیری بخشی یا در واحدهای جغرافیایی-اداری مجزا و بی‌ارتباط با یکدیگر به بی‌کفایتی در سیاست‌گذاری در رویارویی با مشکلات می‌انجامد و موجب پیدایش مشکلات بازرخ‌دهنده و گاه گشوده‌ناشدنی می‌شود. دو دسته کلان و چندگانه تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران؛ در بخش عمومی بر پایه دستور کارها و وظایف متفاوت خود، و در بخش خصوصی برحسب انگیزه‌های متفاوت خود، درک متفاوتی از ماهیت مشکلات شهری و مسیرهای سیاست‌گذاری برای گشودن این مشکلات دارند. در چنین سیستم پیچیده و چندسطحی سیاست‌گذاری شهری، ایجاد یکپارچگی و هم‌رأیی در دستور کارها، اهداف، درک مشکلات شهری، و اجرای سیاست‌ها با دشواری‌ها و کشمکش‌های ناشی از منافع متناقض ذی‌نفعان روبه‌رو است. رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری با توجه به روابط قدرت آشکار نیروهای رسمی و غیررسمی هدایت‌کننده

اندیشه‌های راهنمای تصمیم‌ها و سیاست‌ها و در نظر گرفتن کشمکش‌های ناشی از منافع متناقض عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چندگانه در سیستم‌های شهری، سازوکاری را معرفی می‌کند تا با برقراری ارتباط میان دانش تخصصی برنامه‌ریزی با دانش محلی افراد و گروه‌ها، امکان حرکت به سمت یکپارچگی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فراهم شود. در شهر تهران نه‌فقط عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چندگانه‌ای در سطوح فراشهری، شهری و خردشهری به تولید تصمیم و سیاست و اجرای سیاست‌هایی برای عناصر متشکله بخش عمومی مختلف می‌پردازند، بلکه تصمیم‌ها و سیاست‌های مربوط به این بزرگ‌شهر که پایتخت کشور است، از سوی عوامل تصمیم‌گیری در سطح ملی نیز شکل گرفته است و اجرا می‌شوند. با وجود چندگانگی ذی‌نفعان در بخش عمومی با قدرت تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، و سیاست‌گذاری در شهر تهران، رهیافتی که عمل برنامه‌ریزی شهری در ایران را می‌توان در آن چارچوب قرار داد به منافع، اهداف، تصمیم‌ها و سیاست‌های عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چندگانه (در هر دو بخش عمومی و خصوصی) و نیز به امکان وجود ناسازگاری، ناهماهنگی و تضاد میان اهداف، تصمیم‌ها و سیاست‌های این عوامل تصمیم‌گیری چندگانه همواره بی‌توجه بوده است. هدف‌های دوگانه این مقاله، نخست) پرداختن به «نقش تحلیل فرصت‌ها (به عنوان نیروهای پیش‌برنده) و موانع (به عنوان نیروهای

۱. این مقاله مبتنی است بر رساله دکتری در حال انجام نویسنده دوم در رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای با عنوان سیاست‌گذاری یکپارچه در چارچوب برنامه‌ریزی بزرگ‌شهر تهران، و پایان‌نامه کارشناسی ارشد این دانشجو در همین رشته با عنوان به‌کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری که در سال ۱۳۸۸ تدوین و دفاع شده است، و ردیابی ارتباط میان این دو زمینه پژوهشی، هر دو به راهنمایی دکتر زهره عبدی دانشپور؛ دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

2. z\_danesh@sbu.ac.ir

۳. نویسنده مسئول؛

v\_brahimnia@sbu.ac.ir

## پرسش‌های تحقیق

۱. چگونه می‌توان از فرصت به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری یک ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران بهره گرفت؟
۲. ساختار برنامه‌ریزی شهری تهران چه فرصت‌هایی در به‌کارگیری رهیافت همکارانه دارد؟
۳. ساختار برنامه‌ریزی شهری تهران با چه موانعی در به‌کارگیری رهیافت همکارانه رویاروی است؟

۴. در بیانی کلی سازمان (organisation) در برابر فرد (individual) و یا گروه (group)، واحدی متشکل از افراد است که برای پاسخ به یک نیاز یا پیگیری اهداف جمعی راه‌اندازی و مدیریت می‌شود. روابط میان افراد و فعالیت‌های آن‌ها و نیز تقسیم کار و تعیین نقش‌ها و مسئولیت‌ها در سازمان‌ها برای انجام امور گوناگون از طریق ساختار مدیریت هر سازمان تعیین و تعریف می‌شود. در تعریف سازمان در برابر نهاد نیز می‌توان این‌گونه گفت که سازمان‌ها توسط و درون چیدمان‌های گسترده‌تر نهادی شکل می‌گیرند. هماهنگی بین سازمانی (inter-organisational coordination) به معنای فعالیت عامدانه‌ای است که از سوی یک سازمان یا یک سیستم سازمانی برای همخوانی تصمیم‌ها و سیاست‌های زیرواحدها یا سازمان‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها و در سطوح گوناگون سیستم‌های سازمانی یا بین سازمانی (شامل میان‌کش میان افراد تا ساختار شبکه‌های بین سازمانی) انجام می‌شود.

بازدارنده) استفاده از رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران» و شفاف‌کردن آن و دوم) ردیابی و به‌کارگیری «روش‌های تحلیلی» برای شناسایی فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه است که در فرایندی متشکل از چهار مرحله اصلی طراحی شده است. در دو مرحله نخست و دوم، با ماهیت توصیفی-تحلیلی، به چارچوب‌های نظری پشتیبان و تشکیل‌دهنده سیاست‌گذاری یکپارچه و رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری پرداخته می‌شود. در این دو مرحله از روش «تحلیل محتوای کیفی» برای بازبینی و تحلیل متون مرتبط با سیاست‌گذاری یکپارچه و رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری، و تحلیل یافته‌های حاصل از این بازبینی (اطلاعات ثانویه) و ترکیب آن‌ها در مناسبت با اهداف این مقاله استفاده شد. با استفاده از برون‌داد این دو مرحله و روش‌های به‌کاررفته، نویسندگان مقاله توانسته‌اند فرصت‌هایی را شناسایی کنند که رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه ایجاد می‌کند. در دو مرحله تحلیلی سوم و چهارم، بر پایه یافته‌های دو مرحله نخست و دوم و با به‌کارگیری روش‌های «انتخاب نمونه انتقادی»، «تحلیل محتوای کیفی اسناد» و «تحلیل میدان نیرو»، روش پیشنهادی در این مقاله برای تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران معرفی می‌شود و به کار می‌رود تا هدف پژوهش پایه این مقاله، برآورده شود. دستاوردهای مقاله نخست تدقیق ارتباط دو زمینه پژوهشی «رهیافت همکارانه» و «سیاست‌گذاری یکپارچه» در برنامه‌ریزی شهری و دوم کوشش در معرفی عناصر اصلی و اصول پایه به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران و به‌کارگیری آن‌ها، هم‌چون چارچوبی برای تحلیل و یافتن فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران، است. در زمینه به‌کارگیری روش‌های تحلیل نیز دستاورد این مقاله استفاده و کوشش در تعیین چگونگی مناسبت فن تحلیل میدان نیرو برای به‌کارگیری در برنامه‌ریزی شهری است.

## ۱. مقدمه- طرح مشکل، هدف، و روش کار مورد

### پژوهش

برنامه‌ریزی شهری با زمینه‌های سیاست‌گذاری چندگانه‌ای روبه‌رو است که با یکدیگر مرتبط و برهم اثرگذار هستند. رویارویی با این زمینه‌های سیاست‌گذاری در زیرسیستم‌های تصمیم‌گیری بخشی یا در واحدهای جغرافیایی-اداری مجزا و بی‌ارتباط با یکدیگر همواره در جوامع گوناگون با چالش‌هایی، که نشان از ناهماهنگی بین سازمانی<sup>۴</sup> دارند، روبه‌رو بوده است. فقدان یکپارچگی و ناهماهنگی میان تصمیم‌ها و سیاست‌ها به چندپارگی، ناهماهنگی و تناقض و حتی رقابتی‌بودن آن‌ها می‌انجامد که می‌تواند نشان از بی‌کفایتی در

داد، همواره به منافع، اهداف، تصمیم‌ها و سیاست‌های عوامل تصمیم‌گیری چندگانه و امکان وجود ناسازگاری، ناهماهنگی و نیز تضادهای میان اهداف، تصمیم‌ها و سیاست‌های این عوامل تصمیم‌گیری چندگانه بی‌توجه بوده است. چنین رهیافتی نتوانسته کشمکش میان ذی‌نفعان را تشخیص دهد و اهمیت آن را در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دریابد و مهم‌تر از همه، با آن‌ها روبه‌رو شود. پیامد چنین رویکردی، منحصر شدن فعالیت تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری در شهر تهران به تهیه اسناد برنامه‌ریزی شهری (در ایران و در شهر تهران این اسناد «طرح جامع» و «طرح تفصیلی» نامیده می‌شوند) در شرکت‌های خصوصی مشاور برنامه‌ریزی و چیرگی روش‌های تحلیل فنی برای تعیین مشکلات و راه‌حل‌ها در تهیه اسناد برنامه‌ریزی شهری (البته در بهترین حالت اختیار رهیافت‌های برنامه‌ریزی شهری و روش‌های مناسب و فرهیخته تحلیل لازم در یک فرایند تولید برنامه‌های شهری) بوده که- افزون بر تولید انواع مشکلات محتوایی و روند کاری- به انگیزش مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری‌های شهری در افراد ساکن در شهر تهران منجر نشده است. چندپارگی تصمیم‌ها و سیاست‌های عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این شهر را می‌توان، از یک‌سو، برآمد سستی سازوکارهای همکاری (نک: بند ۱۰۲) بین عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چندگانه اثرگذار در این شهر و از دیگر سو، اختیار نکردن رویکردی که بتواند ساختار و سازوکاری برای در نظر گرفتن گوناگونی و کشمکش بین اهداف، منافع، تصمیم‌ها و سیاست‌ها در سیستم برنامه‌ریزی- که می‌تواند زمینه‌ای برای فراهم کردن شرایط لازم در شکل‌دهی و ارتقای یکپارچگی سیاست‌ها باشد- دانست.

### ۱.۱. هدف

در این مقاله به خصلت بارز رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری توجه شده است، رهیافتی که از

تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در رویارویی با مشکلات باشد، به‌ویژه با مشکلاتی پیچیده که عوامل تصمیم‌گیری منفرد و مجزا توان رویارویی با همه جنبه‌های آن‌ها را ندارند: مسیری که به شکل‌گیری، انباشت، تداوم، و پیدایش مشکلات جدید و یا بازرخ‌دهنده و گاه گشوده‌ناشدنی می‌انجامد.

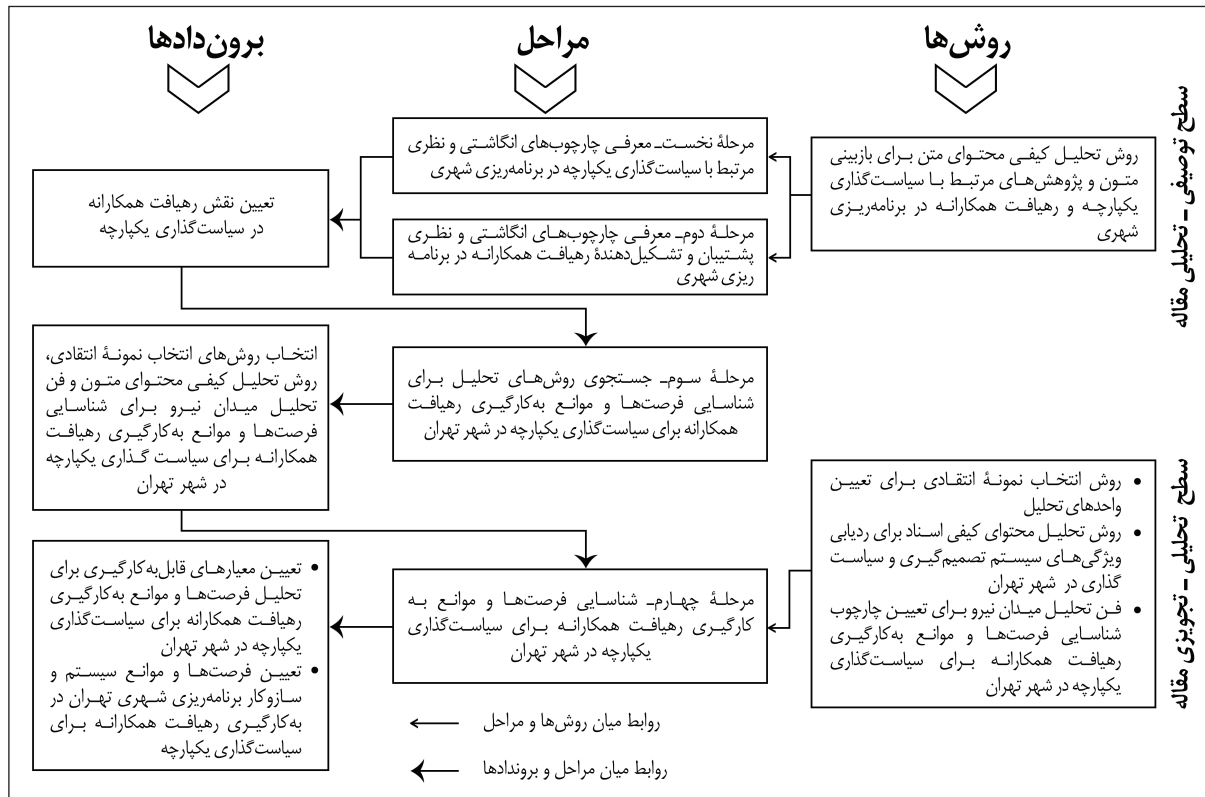
مشکل مورد پژوهش در سیستم برنامه‌ریزی بخش عمومی در ایران را می‌توان به این صورت تعریف کرد که عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، از یک سو، وظایف جداگانه‌ای را بر عهده دارند و از سوی دیگر، در حوزه خاصی که قدرت دارند، بر پایه دستور کاری که قانون و برنامه‌های ملی برای آنها تعیین کرده است، به سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها در شهرها- به‌ویژه در شهر تهران (پایتخت و نخستین شهر کشور)- می‌پردازند.<sup>۵</sup> در شهر تهران بسیاری و چندگانگی عوامل سیاست‌گذاری و اجرای سیاست در سطوح حکمرانی مختلف (که یکی از پیامدهای مشکل‌برانگیز آن گسترش کالبدی این بزرگ‌شهر در طول زمان و دربرگیری نواحی هم‌جوار شهر تهران در منطقه بزرگ‌شهری تهران، هرکدام با ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ویژه خود، بوده است) نیز بر مشکل ناشی از چندگانگی عوامل تصمیم‌گیری افزوده است. در این شهر، از یک‌سو، سیاست‌هایی در سطح ملی و حتی بین‌المللی از سوی عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دنبال می‌شوند و از سوی دیگر، سکونتگاه‌های شهری، روستایی، و نیمه‌شهری در منطقه بزرگ‌شهری تهران نیازمند سیاست‌گذاری ویژه برای نیازها، تقاضاها، و قیود داخلی در سطح محلی خود هستند. با وجود چندگانگی ذی‌نفعان<sup>۶</sup> (که به معنی همه افراد، گروه‌ها، و سازمان‌هایی است که در یک موضوع منفعتی دارند یا می‌توانند در آن اثرگذار باشند<sup>۷</sup>) متعلق به بخش عمومی با قدرت تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، و سیاست‌گذاری در شهر تهران، رهیافتی که عمل برنامه‌ریزی شهری در ایران را- با توجه به برنامه-سو بودن چنین عملی- می‌توان در آن چارچوب قرار

5. Daneshpour & Mahmoudpour & Ebrahimnia, "A Knowledge Management Framework for Integrated Policy-Making in Tehran", p. 383.  
6. Stakeholders  
7. S. Selin and D. Chavez, «Developing a Collaborative Model for environmental Planning and Management», p. 190.

برنامه‌ریزی شهری سنتی- با تأکید بر تدوین مقررات کاربرد زمین مبتنی بر داوری‌های علمی متخصصان- به سوی رهیافت و شیوه‌ای از برنامه‌ریزی شهری، با توان رویارویی با انواع کشمکش میان عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چندگانه، حرکت کرده است. با تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه در شهر تهران و استفاده از نتایج چنین تحلیلی کوشش شده است که به هدف‌های مقاله دست یافته شود، هدف‌های این مقاله پرداختن و شفاف کردن فرصت‌ها و موانع بهره‌گیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه و یافتن رهنمودهایی برای تقویت فرصت همکاری در پایه‌گذاری یک سیستم سیاست‌گذاری یکپارچه در این شهر است.

**۲.۱. روش کار**  
روش کار این مقاله در فرایندی شامل چهار مرحله اصلی طراحی و به کار گرفته شده است (ت ۱). دو مرحله نخست و دوم، دانش مورد نیاز، برای ردیابی چارچوب‌های انگاشتی و نظری پشتیبان و تشکیل‌دهنده رهیافت همکارانه و نیز سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری و نیز برای تولید چارچوب ارتباط میان رهیافت همکارانه و سیاست‌گذاری یکپارچه (برون داد مشترک دو مرحله نخست مقاله)، را فراهم کردند. در این دو مرحله از روش تحلیل محتوای کیفی<sup>۸</sup> برای بازبینی و تحلیل متون مرتبط با سیاست‌گذاری یکپارچه و رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری (شامل پژوهش‌ها و گزارش‌های تجربیات مرتبط در سطح جهان)، تحلیل یافته‌های حاصل از این بازبینی به متزله اطلاعات ثانویه بودند و ترکیب آن‌ها نیز در مناسبت

۸. روش تحلیل کیفی محتوای (qualitative content analysis) اسناد برای استخراج معنای صریح و ضمنی از پیام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (نک به: بند ۲،۲،۵ مقاله).  
۹. روش انتخاب نمونه انتقادی (selection of critical case) به دنبال به‌دست‌آوردن اطلاعات درباره نمونه‌ای است که دارای «محتمل‌ترین» یا «غیرمحتمل‌ترین» شرایط و ویژگی‌های مرتبط با انگاشتهای مورد تحلیل در پژوهش است (نک به بند: ۱،۲،۵ مقاله).  
۱۰. فن تحلیل میدان نیرو (force field analysis) نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ در روان‌شناسی اجتماعی و پس از آن به طور گسترده‌ای در سایر زمینه‌ها/ انتظام‌های علوم اجتماعی به کار گرفته شد (نک: بند ۲،۲،۵ مقاله).  
۱۱. یعنی پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم مقاله به راهنمایی نویسنده نخست مقاله.  
۱۲. استنتاج منطقی (logical deduction) یا استدلال استنتاجی (deductive reasoning) که فرایند دلیل‌آوری از یک یا چند گزاره کلی برای رسیدن به یک نتیجه مشخص منطقی است (R.J. Stern-berg & K. Sternberg, Cognitive Psychology, p.507).  
با یک نظریه درباره موضوع مورد پژوهش آغاز می‌شود ←  
ت ۱. نمودار روش کار مقاله، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، برای استفاده در این مقاله.





شهر تهران، یک ناحیه خُرد شهری در شهر تهران، و شهر تهران به کار رفتند تا- به عنوان برون داد این مقاله- فرصت‌ها و موانع موجود در سیستم برنامه‌ریزی در شهر تهران برای به راه افتادن گفت‌ووشنود و مباحثه در میان عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چندگانه، ردیابی و شناسایی شوند. به این ترتیب است که دستیابی به هدف مقاله، که ردیابی رهنمودهایی برای رویارویی با موانع (نیروهای بازدارنده) و تقویت فرصت‌ها (نیروهای پیش‌برنده) همکاری در پایه‌گذاری یک سیستم سیاست‌گذاری یکپارچه در این شهر است، محقق می‌شود. در چارچوب این فرایند، ساختار مقاله در هفت بند اصلی تنظیم شده است که هریک بندهای فرعی مربوطه‌ای نیز دارند (ت ۲).

## ۲. چارچوب نظری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری

هرگونه بحث در مورد رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری با مجموعه‌ای از انگاشت‌های مرتبط سروکار دارد که نه فقط به صورت انفرادی بلکه در میان کنش با یکدیگر است که مفهوم لازم را می‌یابند. از این رو در چارچوب نظری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری، در این مقاله نه فقط به رهیافت همکارانه، سیاست‌گذاری یکپارچه، و برنامه‌ریزی شهری، بلکه به زمینه‌های موضوعی مرتبطی چون «ماهیت بخش عمومی»، «هماهنگی»، «هم‌رأیی»<sup>۱۴</sup> و «راهبردسازی»<sup>۱۵</sup> (یعنی فرایند تغییر آگاهانه سیستم‌های معنی و چارچوب‌های ترجیح‌ذی‌نفعان، با ایجاد گفت‌ووشنود و مباحثه میان آن‌ها)، به عنوان انگاشت‌های درونی رهیافت همکارانه نیز پرداخته می‌شود.

۱.۲. «هماهنگی» و «یکپارچگی» «تصمیم‌ها و سیاست‌ها دو انگاشت «یکپارچگی» و «هماهنگی» تصمیم‌ها و سیاست‌ها جنبه‌های مشترک و در ضمن تفاوت‌هایی چند دارند: برخی

با هدف این مقاله (نک: بند ۲ مقاله) استفاده شد. پس از ردیابی لازم در این دو مرحله، ارتباط میان یافته‌های حاصل از دو زمینه اصلی موضوعی این مقاله و مرتبط با هدف این مقاله برقرار شد و معیارهای تعیین فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران تدوین و معرفی شدند. در مرحله سوم، برای شناسایی فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری یک ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران، ابتداء روش‌های مناسب استفاده در هر مرحله از فرایند جستجو شد و از میان آن‌ها سه روش انتخاب نمونه انتقادی<sup>۹</sup>، تحلیل محتوای کیفی اسناد و تحلیل میدان نیرو<sup>۱۰</sup>، انتخاب شدند. در روش انتخاب نمونه انتقادی، نمونه دارای «محتمل‌ترین» یا «غیرمحتمل‌ترین» شرایط و ویژگی‌های مرتبط با انگاشت‌های مورد تحلیل در پژوهش پایه این مقاله<sup>۱۱</sup> انتخاب شدند تا پژوهشگران به اطلاعاتی دست یابند که قادر به استنتاج منطقی<sup>۱۲</sup> گردند و فرایندی را برای استدلال از یک یا چند گزاره برای رسیدن به نتیجه مشخص و منطقی مورد نظر این مقاله ببینند. با به کارگیری این روش در تعیین سطح تحلیل در این مقاله، منطقه یک شهر تهران و محله اوین (در این منطقه) برای تحلیل سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در نواحی خُرد شهر تهران و محلات آن انتخاب شدند. روش تحلیل کیفی محتوای اسناد امکان استخراج اطلاعات عینی و ذهنی درباره سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در شهر تهران را از متون موجود (چون اسناد، قوانین، و برنامه‌های شهری تهران) و نیز متون تولیدی پژوهشگران (چون نتایج پرسش‌نامه و مصاحبه) در این مقاله فراهم کرد. فن تحلیل میدان نیرو با شناسایی دو دسته نیرو که در جهت مخالف یکدیگر، که یا موجب پیشبرد تغییر در وضعیت موجود (یعنی فرصت‌ها) و یا حفظ آن (یعنی موانع) می‌شوند، امکان تحلیل روی دادن تغییر مورد نظر و در نهایت دستیابی به هدف مورد نظر در پژوهش پایه این مقاله را فراهم کردند. در مرحله چهارم، این روش‌ها در چارچوبی، که سطح تحلیل در این مقاله را تشکیل می‌دهد، در سه سطح سلسله‌مراتبی جغرافیایی- اداری در محدوده قانونی شهر تهران یعنی یک محله در

→ پس از محدود کردن آن به فرضیه‌هایی آزمون‌شدنی و سنجش آن‌ها، امکان نتیجه‌گیری درباره نظریه آغازین را ایجاد می‌کند. (نک: Deduction & Induction, Research Methods Knowledge Base).

۱۳. فرصت‌ها (opportunities) و موانع (barriers) در پژوهش‌هایی که از این فن استفاده کرد هاند به ترتیب با عنوان‌هایی چند خوانده شده‌اند، چون الف) نیروهای پیش‌برنده (impelling forces) و نیروهای بازدارنده (impeding forces) (نک: K.S. Ajimal, "Force Field Analysis A Framework for Strategic Thinking"، ب) نیروهای در جهت تغییر (forces for change) و نیروهای در خلاف جهت تغییر (forces against change) (نک: J. Thomas, "Force Field Analysis: A New Way to Evaluate Your Strategy" و پ) نیروهای محرک (driving forces) و نیروهای محدودکننده (restraining forces) (نک: J. Holland, Tools for Institutional, Political, and Social Analysis of Policy Reform).

14. Consensus

15. strategy-making

میان- کارکردی<sup>۲۰</sup> برآمدها را (که برای دستیابی به هم‌نیروزی سازمانی<sup>۲۱</sup> لازم است) مطرح می‌کند. هم‌نیروزی سازمانی اهمیت دارد، زیرا ماهیت راهبردی دارد و ویژگی بالقوه «میان‌کنش» به‌شمار می‌رود و به معنای میان‌کنش عناصر چندگانه در یک ساختار سازمانی- به صورتی که برآمد این میان‌کنش بیش از جمع برآمد هر سازمان باشد- است<sup>۲۲</sup>. «هم‌هنگی» به عنوان یک کارکرد مدیریت (که پس از تعدیل فعالیت‌های مختلف، آن‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند)، با تعریف کارکرد موزون اجزای یک تمامیت در به‌دست‌آوردن نتایجی کارآمد و نیز در مدیریت وابستگی‌ها در فعالیت‌های غیروابسته با تأکید بر میان‌کنش آن‌ها<sup>۲۳</sup>، با افزایش ارتباطات در همه سطوح و زمینه‌ها، وسیله‌ای برای افزایش سطح «یکپارچگی» بین اجزا به‌شمار رفته است<sup>۲۴</sup>. البته، رویکردهای حکمرمایی بزرگ‌شهری<sup>۲۵</sup> و نو- منطقه‌باوری<sup>۲۶</sup>، با دگرگون ساختن تعاریف سنتی فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری، موجب چرخش از انگاشت «هم‌هنگی» به «همکاری»<sup>۲۷</sup> و نیز دور

هم‌هنگی را به معنی تنظیم وظایف و کوشش‌های واحدهای چندگانه برای دستیابی به یک هدف، با هدف ایجاد انسجام بیشتر در سیاست‌ها و کاهش افزونگی<sup>۱۶</sup> و تناقض درون و میان سیاست‌ها، دانسته‌اند که در پایین‌ترین سطح آن، سازمان‌ها فقط از فعالیت‌های سایرین آگاه هستند و می‌کوشند از تکرار و تناقض در سیاست‌گذاری اجتناب کنند، در حالی که در بالاترین سطح، برون‌داد فرایند سیاست‌گذاری، اهداف، یا سیاست‌هایی تعدیل شده<sup>۱۷</sup> است، یعنی سیاست‌هایی که با توجه به تصمیم‌ها در دیگر بخش‌های سیاست‌گذاری اصلاح شده‌اند، اما هنوز از نظر بخشی مجزا و متمایز باقی‌می‌مانند<sup>۱۸</sup>. در چنین تعریفی، هم‌هنگی پایه‌ای برای یکپارچگی به‌شمار می‌آید<sup>۱۹</sup>. در بیانی دیگر، «یکپارچگی» را مبتنی بر اهداف عملیاتی دانسته‌اند که بر برآمد و نتایج عمل سیاست‌گذاری متمرکز است، در صورتی که «هم‌هنگی» بر فعالیت و فرایند سیاست‌گذاری، یعنی یکپارچگی برآمدهای سیاست‌گذاری بر پایه برآمدهای هم‌هنگ شده قرار دارد که بایستگی یکپارچگی

16. Redundancy  
17. adjusted policies  
18. B.G. Peters, "Managing Horizontal Government, the Politics of Coordination", p. 5.  
19. D. Stead & E. Meijers, "Policy Integration in Practice: Some Experiences of Integrating Transport, Land Use Planning and Environmental Policies in Local Government", p. 323.  
20. میان- کارکردی (cross-functional) اشاره به سیستمی دارد که در آن افراد، گروه‌ها، و سازمان‌های مختلف با هم در یک دسته برای تولید فرآورده یا فناوری نوین کار می‌کنند.  
21. هم‌نیروزی سازمانی (organizational synergy) هم‌نیروزی در چارچوب تفکر سیستمی به معنای با هم کارکردن و افزودن به کارآمدی در سهم بردن از دارایی‌هایی چون مهارت است. هم‌نیروزی سازمانی به کارآمدی سازمانی تأکید دارد.  
22. G. Benecke & W. Schurink & G. Roodt, "Towards a Substantive Theory of Synergy", p. 9.  
ت ۲. ماتریس نشان‌دهنده بندهای اصلی و فرعی در ساختار مقاله، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، برای استفاده در این مقاله.

بندهای اصلی و فرعی مقاله
<p>نخست- مقدمه: طرح مشکل، هدف و روش کار مورد پژوهش:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• «هم‌هنگی» و «یکپارچگی» تصمیم‌ها و سیاست‌ها</li> <li>• سیاست‌گذاری در بخش‌های عمومی و خصوصی</li> <li>• سیاست‌گذاری یکپارچه در قیاس با سیاست‌گذاری غیریکپارچه (این بند فرعی متشکل از زیربندهای فرعی تر نیز هست که در این جدول بیان نشده‌اند).</li> <li>• شکل‌گیری نظری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری</li> </ul>
دوم- چارچوب نظری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری
سوم- نقش رهیافت همکارانه در سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری
چهارم- جمع‌بندی آموزه‌های نظری و معرفی چارچوب اختیار شده برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران
پنجم- تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران:
<ul style="list-style-type: none"> <li>• روش‌شناسی تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران</li> <li>• معرفی فرایند سه مرحله‌ای شناسایی فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران (این بند فرعی متشکل از زیربندهای فرعی تر نیز هست که در این جدول بیان نشده‌اند).</li> </ul>
ششم- بحث
هفتم- نتیجه و رهنمود برای تقویت فرصت همکاری در پایه‌گذاری یک سیستم سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران

23. G. Boella and L. van der Torre, "Coordination and Organization: Definitions, Examples and Future Research Directions", pp. 5-6.

24. Boundless, *Increasing Coordination, Boundless Business, Boundless, Trends in Organization*.

۲۵. مقصود از حکمروایی بزرگ‌شهری (metropolitan governance) ایجاد انواع منقطع ترتیبات مختلف برای همکاری در بزرگ‌شهرها است که دربرگیرنده شهرداری‌ها، عوامل حکومتی در سطوح مختلف و نیز بخش خصوصی، نهادهای جامعه مدنی، و دیگر عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری با صلاحیت‌ها و توانایی‌های قانونی متفاوت است. حکمروایی بزرگ‌شهری، به جای تمرکز بر ترتیبات ساختاری رسمی ساختارهای غیررسمی برای سیاست‌گذاری و بسیج منابع را بر پایه وجود چارچوب‌های ارزشی و قواعد مشترک در تلاش برای دستیابی به بهره‌جمعی- که از طریق اقدام‌های انفرادی شدنی نیست- به کار "Politics and Performance: the Implications of Emerging Governance Arrangements for Urban Management Approaches and Information Systems" (C. Rakodi, pp. 525-526) new-). ۲۶. نوب- منطقه‌باوری (regionalism)، که ریشه‌های آن را می‌توان از زمان پایان جنگ سرد در دهه ۱۹۸۰ میلادی پیگیری کرد، حاصل نگرش‌های ←

از عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری منتخب و غیرمنتخب، در بخش عمومی یا خصوصی و و به بیانی کلی نهادهایی در سطوح گوناگون جغرافیایی- اداری در حال پیگیری منافع فردی، سازمانی، یا گروهی خود در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری هستند. چنین ساختار چندعامله و چندسطحی، با مشکلات پیچیده تصمیم‌گیری در بخش عمومی- به‌ویژه در میان‌کنش با بخش خصوصی- سروکار دارد. در نتیجه، ایجاد یکپارچگی در تصمیم‌ها و سیاست‌ها با انواع و ابعاد گوناگون مشکلات در اجرای سیاست‌هایی روبه‌رو است که در اصل به دلیل مشکلات مرتبط با کشمکش‌های ناشی از منافع متناقض نهادها، گروه‌ها، و افراد ذی‌نفع در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری، در سطوح شهری و فراشهری، و نیز دشواری دستیابی به هم‌رأیی است.

سیاست‌گذاری در بخش عمومی، مسیر عملی آگاهانه و دربرگیرنده مجموعه‌های گسترده‌ای از فعالیت‌های نسبتاً مرتبط با یکدیگر تعریف شده است که دولت‌ها (به منزله عنصری از یک بخش عمومی گسترده) برای دستیابی به اهداف کلان و خرد مربوط به یک مشکل، موضوع، یا زمینه سیاست‌گذاری و به قصد تولید نتایج مشخص پی‌گیری می‌کنند. عناصر تشکیل‌دهنده سیاست در بخش عمومی شامل موضوع سیاست‌گذاری، عوامل سیاست‌گذاری، اهداف سیاست، ساختارها، و روند کارهای سیاست‌گذاری و ابزارهای سیاست‌گذاری است که می‌توان آن‌ها را برپایه کار Briassoulis<sup>۳۰</sup> چنین معرفی کرد:

الف. مشکل سیاستی<sup>۳۱</sup>، عرصه سیاست<sup>۳۲</sup> و موضوع سیاست‌گذاری<sup>۳۳</sup>: مشکل سیاستی نشان از وجود تفاوت بین یک وضعیت موجود و یک وضعیت دلخواه و نیاز به سیاست‌گذاری در رفع این شکاف دارد. عرصه سیاست به دامنه موضوعی مشکل سیاستی و خوشه‌ای از فعالیت‌هایی منسجم اشاره دارد که بخش عمومی برای سیاست‌گذاری عمومی لازم تشخیص داده است.<sup>۳۴</sup> موضوع سیاست‌گذاری با جنبه‌ها و ویژگی‌های یک مشکل سیاستی سروکار دارد (ت ۳).

شدن از رهیافت‌های عقلانی جامع برنامه‌ریزی شده است. به این معنا که دشواری برقراری هماهنگی و هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها- در اثر پیش‌بینی‌ناپذیری و اغتشاش زندگی در بزرگ‌شهرها- با دگرگون‌سازی چگونگی ساخت و مشروع‌سازی تصمیم‌ها (یعنی فرایند همخوان کردن آن‌ها با قواعد پذیرفته‌شده در هر جامعه)، در فرایند راهبرددسازی، و نیز دگرگون‌سازی چگونگی میان‌گیری کشمکش‌ها (یعنی عدم‌توافق برسر تعریف و تعیین مشکلات جامعه و اولویت بین آن‌ها، راه‌های گشودن مشکلات، سیستم‌های پشتیبان، و سازوکارهای اجرایی مناسب و چگونگی ارزیابی موفقیت یا شکست آن‌ها)، یعنی به‌کارگیری اصول انگاشت «همکاری»، کاهش می‌یابد<sup>۳۵</sup>. انگاشت «همکاری» اشاره دارد به کار کردن دو یا چند فرد یا نهاد با دیگری و یا دیگران در دستیابی به هدف یا مقصودی مشترک و یا تولید برآمدی مشخص و اینکه روش‌های ساختاریافته «همکاری» مقصودی ویژه در افزایش میزان موفقیت گروه‌هایی دارد که در یک فرایند «مشکل‌گشایی» درگیر شده‌اند<sup>۳۶</sup>.

## ۲.۲. سیاست‌گذاری در بخش‌های عمومی و خصوصی

عناصر تصمیم‌گیری بخش عمومی، بر پایه دستور کارهای مجزای خود، وظایف جداگانه‌ای را بر عهده دارند و فقط در حوزه خاص خود دارای آمیزه‌ای از قدرت رسمی و غیررسمی هستند و هرکدام درک ویژه خود را از ماهیت مشکل (که ممکن است مشکل کلی جامعه، مشکل عمومی، مشکل شهری و یا مشکل برنامه‌ریزی شهری باشد) دارند و راه‌های گشودن آن و نیز برقراری ارتباط با دیگر نهادها نیز منحصر به خودشان است. بخش خصوصی نیز که از عوامل تصمیم‌گیری متنوع با چارچوب‌های فکری، اعتقادی، و رفتاری گوناگون تشکیل می‌شود، برحسب انگیزه‌های متفاوت خود دارای درک متفاوتی از ماهیت مشکل، عرصه تصمیم‌گیری و یا سیاست‌گذاری شهری و هزینه‌ها و منفعت‌های هریک از راه‌های رویارویی با مشکل و مسیرهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری هستند. به‌راستی، مجموعه‌ای

→ نو به همپاری‌های بین‌المللی است و در بیانی کلی کوشش برای دستیابی به همگرایی منطقه‌ای در مقیاس بین‌المللی میان دولت‌ها با هدف هماهنگ‌ساختن سیاست‌های تجاری و اقتصادی و بهره‌مندی از منافع آن برای کشورهای شرکت‌کننده در این همپاری‌ها معرفی شده است (W.J. Edler, "The New Regionalism", p. 1149; J. Lovering, "Theory Led by Policy: The Inadequacies of the New Regionalism- Illustrated from the Case of Wales", p. 383).

۲۷. همکاری (collaboration) یعنی روی هم گذاشتن تلاش‌ها و منابع (چون اطلاعات، منابع مالی، نیروی انسانی) ذی‌نفعان برای حل مشکلاتی که به‌تنهایی نمی‌توان آنها را گشود (Gray, "Conditions Facilitating Interorganizational Collaboration", p. 912) و نیازمند تصمیم‌گیری مشترک از سوی ذی‌نفعان با قدرت اشتراکی برای گشودن مشکلات و نیز مسئولیت جمعی برای این تصمیمات است (Selin and Chavez, *ibid*). 28. R. Hutchinson. *Encyclopedia of Urban Studies*, pp. 507, 584.

ت ۳. ماتریس نشان‌دهنده جنبه‌ها و ویژگی‌های مشکل سیاستی، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، برای استفاده در این مقاله

ب. **اهداف سیاست:** اهداف سیاست اشاره دارند به وضعیت‌های مطلوب از نظر عوامل سیاست‌گذاری در مورد ویژگی‌های موضوع سیاست‌گذاری و بازتابی هستند از آنچه آن عوامل درباره علت‌ها و پیامدهای مشکلات سیاستی به آن باور دارند.

پ. **عوامل سیاست‌گذاری:** عوامل سیاست‌گذاری (شامل افراد، شرکت‌ها، و سازمان‌های عمومی، خصوصی، و داوطلب که مستقیم یا غیرمستقیم، رسمی یا غیررسمی، دارای نقش‌های گوناگونی در فرایند سیاست‌گذاری هستند)، سیستم‌های ارزشی آن‌ها اولویت‌های مردم، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، صفات روان‌شناختی و فرهنگی، وضعیت برخورداری از قدرت، منابع و ابزارهایی که این عوامل در اختیار دارند، موضوع سیاست‌گذاری، و اینکه چه زمانی و چگونه یک مشکل به دستور کار سیاست‌گذاری تبدیل بشود را تعیین می‌کنند.

ت. **ساختارها و روند کارهای سیاست‌گذاری:** ساختارها و روند کارهای سیاست‌گذاری به ترتیبات و سازوکارهایی اشاره دارند که برای اجرای سیاست فراهم می‌شوند.

ث. **ابزارهای سیاست‌گذاری:** ابزارهای سیاست‌گذاری شامل

ابزارهای قانونی، مالی، فنی، ارتباطی، آموزشی، و زیرساختی (کالبدی، اجتماعی، و جز آن) هستند. عوامل سیاست‌گذاری و چارچوب نظری و انگاشتی که این عوامل آگاهانه و یا ناآگاهانه در مورد مشکل سیاستی اختیار می‌کنند، به طور مستقیم بر انتخاب ابزارهای سیاستی از سوی آن‌ها اثر می‌گذارد؛ یعنی انواع ابزار سیاست‌گذاری که برای گشودن یک مشکل به کار گرفته می‌شوند، بازتاب ویژگی‌های ماهوی سیاست ترجیح‌داده‌شده از سوی عوامل تصمیم‌گیری هستند.

### ۳.۲. سیاست‌گذاری یکپارچه در قیاس با

#### سیاست‌گذاری غیریکپارچه<sup>۳۵</sup> (یا چندپاره<sup>۳۶</sup>)

یکپارچه کردن به معنی «شکل‌دادن، هماهنگ کردن، یا ترکیب کردن در یک کل کارکردی و یکانه‌شده» و «یکی کردن با چیزی دیگر» و «واردکردن در یک واحد بزرگ‌تر»<sup>۳۷</sup> تفسیر شده است. این انگاشت در پی کنار هم آوردن عناصر چندگانه است، چنانکه محصول نهایی ارزشی بیاید که پیش از این آن را نداشته است.<sup>۳۸</sup> سیاست‌گذاری یکپارچه را می‌توان هم یک فرایند هماهنگ

تشریح جنبه‌ها و ویژگی‌های مشکل سیاستی	جنبه‌ها و ویژگی‌های مشکل سیاستی
چه کسی و چه چیزی درگیر هر مشکل یا ترکیبی از مشکل‌ها است.	دامنه مشکل
مقیاس فضایی که هر مشکل در آن خود را نشان می‌دهد و مرزهای جغرافیایی فضایی که مشکل در آن شدیدتر است.	ویژگی‌های فضایی مشکل
مقیاس زمانی که مشکل در آن روی می‌دهد: دوره زمانی معنادار برای مشکل.	ویژگی‌های زمانی مشکل
جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی، فرهنگی، و دیگر جنبه‌های یک مشکل که تمرکز سیاست‌گذاری بر آن‌ها قرار می‌گیرد	ابعاد گوناگون مشکل
نظریه پیرامون مشکل (برابر با طرح سببی*) که سیاست صریحاً یا به طور ضمنی آن را تأیید می‌کند و از آن روی اهمیت دارد که جنبه‌ها و ویژگی‌های گوناگون و منتخب مشکل سیاستی را به یکدیگر متصل می‌کند و علت‌های احتمالی، اثرات، و پیامدهای هر مشکل و روابط میان آن‌ها با محیط بیرونی را- که در تعریف مشکل بیان نشده‌اند- در بر می‌گیرد.	دامنه نظری و یا انگاشتی مشکل
* طرح سببی (causal scheme) به معنی تبیین پدیده‌ها به شکلی است که به معیارهای اصول علمی پاسخگو باشد. هدف طرح سببی ارائه شرحی تبیینی از یک مجموعه پدیده (و نه فقط یک وضعیت خاص) است که صریحاً بیان می‌شود (برای نمونه با زبانی قابل درک) و می‌تواند در موقعیت‌های مختلف به کار رود.	



29. A.L. Franco, et al, "Rosenhead. Facilitating Collaboration Across Organisational Boundaries: An Exploratory Study using Problem Structuring Methods", pp. 1-37.
30. H. Briassoulis, "Policy Integration for Complex Policy Problems: What, Why and How", pp. 53-54.
31. مشکل سیاستی (policy problem) را می‌توان توصیف تا حد ممکن تفصیلی و عملیاتی تفاوت میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب تعریف کرد. اگر توصیف کمی این تفاوت به طور کامل تمکان پذیر نباشد، مشکل سیاستی می‌تواند به گونه‌ای کیفی بیان شود.
32. policy area
33. آنچه در این مقاله «موضوع سیاست‌گذاری» تعریف شده، یعنی جنبه‌ها و ویژگی‌های یک مشکل که در سیاست‌گذاری بر آن تمرکز می‌شود، در برخی متون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری «عین سیاست» (policy object) خوانده می‌شود.
34. H. Stol, *A Framework for Evidence-Based Policy-Making Using IT*, p. 141.
35. non-integrated
36. Fragmented
37. Briassoulis, *ibid*, p. 9; *idem*, "Complex Environmental Problems and the Quest for Policy Integration", p. 21; Underdal, "Integrated Marine Policy—What? Why? How?", p. 159.

و غیررسمی در سطوح فضایی و زمانی چندگانه در میان‌کنش هستند. این میان‌کنش‌ها مقیاس فضایی و چارچوب زمانی را، که در آن می‌توان به شیوه‌ای اثرگذار به مشکلات توجه کرد، تغییر می‌دهد، یعنی هرگونه مداخلهٔ سیاستی، بسته به مقیاسی که مشکل سیاست‌گذاری (نک: بند ۲،۲ مقاله) در آن تعریف و درمان می‌شود، تأثیرهای پیش‌بینی‌ناپذیر و نامعلومی در سطوح جغرافیایی-اداری و سازمانی گوناگون دارد و به دلیل این تأثیرها ممکن است سیاست‌ها به جای بهبودی، موجب شکل‌گیری مشکلات جدید شوند و به همین دلیل است که، برای یک حوزهٔ سیاستی، داشتن کارکردی مستقل از سایر حوزه‌ها دشوار می‌شود.<sup>۳۲</sup>

### ۲.۳.۲. یکپارچگی و برنامه‌ریزی شهری

یکپارچگی تصمیم‌ها و سیاست‌ها از عناصر دیرپای پژوهش و سیاست‌گذاری در برنامه‌ریزی شهری است که با تغییر تأکید از برنامه‌ریزی شهری سنتی به برنامه‌ریزی فضایی اهمیت بیشتری یافته است.<sup>۳۳</sup> از یکپارچگی در سیاست‌گذاری چند مقصود پی‌گیری می‌شود:

- الف. در نظر گرفتن پیامدهای یک سیاست بر دیگر سیاست‌ها و اطمینان از سازگاری سیاست‌ها در بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری (یکپارچگی افقی) و سطوح مختلف سیاست‌گذاری (یکپارچگی عمودی) با یکدیگر.<sup>۳۴</sup>
- ب. فراهم کردن امکان دستیابی به توازن میان موضوعات اجتماعی، اقتصادی، و محیطی، که خواست اصلی اندیشهٔ توسعهٔ پایدار است.<sup>۳۵</sup>
- پ. فراهم کردن امکان دستیابی به اهداف میان‌برشی<sup>۳۶</sup>، یعنی اهدافی که سیاست‌گذاری برای دستیابی به آن‌ها از مرزهای وضع‌شده برای زمینه‌های سیاستی منفرد فراتر رفته و به پاسخ هماهنگ‌شدهٔ عوامل تصمیم‌گیری گوناگون و چندگانه نیاز دارد.<sup>۳۷</sup>
- ت. کاهش تکرار در فرایندهای افقی و عمودی سیاست‌گذاری.<sup>۳۸</sup>
- ث. تمرکز بر دستیابی به اهداف کلی بخش عمومی، به جای دستیابی به اهداف محدود بخش-سو.<sup>۳۹</sup>

کردن و ترکیب کردن سیاست‌ها در یک کل یکنانه دانست و هم‌وارد کردن بستگی‌ها و وابستگی‌های یک سیاست در سیاستی دیگر، به صورتی که محصول آن تدوین سیاستی باشد که عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن تحت یک تصور منفرد و یکنانه‌ساز کنار هم گرد آمده‌اند و آن را ساخته‌اند.<sup>۳۹</sup> در مبحث سیاست‌گذاری یکپارچه در قیاس با سیاست‌گذاری غیریکپارچه در این مقاله به چیستی سیاست‌گذاری غیریکپارچه، یکپارچگی و برنامه‌ریزی شهری، گونه‌ها و عناصر سیاست‌گذاری یکپارچه پرداخته شده است.

### ۲.۳.۱. سیاست‌گذاری غیریکپارچه

در سیاست‌گذاری غیریکپارچه یا چندپاره که به تولید سیاست‌هایی مجزا و ناکامل پرداخته می‌شود، سیستم‌های سیاست‌گذاری به هزینه‌های بیرونی سیاست‌ها توجه نمی‌کنند (یعنی بی‌توجهی به تغییرهایی در عرصه‌های سیاست‌گذاری که حاصل انواع تغییر در دیگر عرصه‌های سیاستی است). این امر، به‌ویژه با افزایش تمایل به واگذاری قدرت تصمیم‌گیری به سطوح پایین‌تر دولت و تخصصی‌شدن کارکردی (که سطوح و مقیاس‌ها و عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را افزایش می‌دهد<sup>۴۰</sup>)، تقویت می‌شود، زیرا سیاست‌گذاری غیریکپارچه، سیستم‌های اجتماعی-اقتصادی-محیطی را سیستم‌های خطی می‌پندارد و پویایی و پیچیدگی این سیستم را نادیده می‌گیرد و یا به شیوه‌های مختلفی از آن می‌کاهد. چنین شیوه‌ای در سیاست‌گذاری مشکلات جامعه و بخش عمومی را مشکلاتی منفرد می‌داند که برای گشودن آن‌ها به سیاست‌هایی منفرد و تک‌مقصودی نیاز است. این سیاست‌ها به دلیل نادیده گرفته شدن اثرهای ناخواسته و پیش‌بینی‌نشدهٔ سیاست‌ها بر یکدیگر موجب پیامدهای ناخواسته و هزینه‌های بیرونی یک عرصهٔ سیاست‌گذاری بر دیگر عرصه‌ها-چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت- می‌شوند.<sup>۴۱</sup> این در حالی است که سیاست‌گذاری یکپارچه سیستم‌های اجتماعی-اقتصادی-محیطی را سیستم‌هایی پیچیده‌ای می‌داند که در آن‌ها عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و منابع گوناگون از طریق نهادهای چندگانهٔ رسمی

### ۳.۳.۲. گونه‌ها و عناصر سیاست‌گذاری یکپارچه

جنبه‌ها و بُعدهای گوناگون سیاست‌گذاری یکپارچه در پژوهش‌های نویسندگان مختلف<sup>۵۰</sup> قابل‌ردیابی است<sup>۵۱</sup> که در این مقاله آن‌ها در سه گونه اصلی یکپارچگی سیاست‌گذاری میان درون‌بخش‌های سیاست عمومی (یعنی عوامل تصمیم‌گیری بخش عمومی)، یکپارچگی سیاست‌گذاری میان واحدهای جغرافیایی-اداری، و یکپارچگی سیاست‌گذاری در سطوح راهبردی و عملیاتی قرار داده شده‌اند. با وجود پژوهش‌های پیش‌گفته در مورد ضرورت و گونه‌بندی سیاست‌گذاری یکپارچه، تعداد محدودی از آن‌ها به روشنی مشخص کرده‌اند که سیاست‌گذاری یکپارچه شامل و مستلزم چه می‌شود<sup>۵۲</sup>. این مقاله بر پایه آنچه Briassoulis در تعیین محتوای یکپارچگی سیاست تشریح کرده است، پاسخ به پرسش «یکپارچگی سیاست‌ها مستلزم یکپارچه شدن چه چیزی است؟» را در چگونگی روابط میان عناصر سیاست عمومی، برحسب موارد پنج‌گانه زیر بازتعریف می‌کند<sup>۵۳</sup>:

**الف. روابط میان موضوعات سیاست‌گذاری:** سیاست‌هایی که دامنه مشترکی داشته باشند، یعنی با جنبه‌های مشترک یا مکمل یک مشکل (محیطی، اجتماعی، اقتصادی، نهادی) به‌شیوه‌ای سازگار یا واحد (و درعین حال بدون همپوشی و تکرار یکدیگر) روبه‌رو شوند و بستگی‌های دیگر سیاست‌ها پیرامون ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی، فرهنگی موضوع مورد سیاست‌گذاری را نادیده نگیرند، دارای فرصت‌هایی برای یکپارچه شدن هستند. به این معنی که سیاست‌ها، نظریه‌ها، و چارچوب‌های شناخت‌شناسانه مشترک، جامع یا همخوانی را درباره مشکل سیاست‌گذاری به‌کارگیرند که ادراکی مشترک از مشکل از سوی آن‌ها را می‌رساند.

**ب. روابط میان عوامل سیاست‌گذاری:** روابط میان عوامل تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌ها (چه به صورت رسمی و طراحی‌شده با هدف افزایش یکپارچگی در سیاست‌گذاری باشد، و

چه به صورت غیررسمی) ممکن است مسیرهایی محسوس و یا غیرمحسوس به سوی یکپارچگی را فراهم کند. روابط همکارانه و غیرکشمکشی میان عوامل تصمیم‌گیری چندگانه، فرصت وجود ارزش‌ها، چشم‌اندازها، و اهداف مشترک و پایبندی به قواعد مشابه و همخوان را در عرصه‌های سیاست‌گذاری افزایش می‌دهد<sup>۵۴</sup> و از این راه امکان این را که عوامل سیاست‌گذاری منافع واقعی بخش عمومی را پی گیرند- و نه منافع از پیش تعیین‌شده سازمانی که خود را نماینده آن می‌دانند- افزایش می‌دهد.

**پ. روابط میان اهداف سیاست‌ها:** اهداف سازگار، مشترک یا مکمل سیاست‌ها، پیش‌شرط مطلوب و لازم (اما نه کافی) برای یکپارچگی آن‌ها است. روابط میان این اهداف از یک سو با روابط میان عوامل سیاست‌گذاری و از سوی دیگر با روابط میان موضوع سیاست‌ها مرتبط است، زیرا اگر سیاست‌ها دارای عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مشترک و یا دارای روابط همکارانه باشند، امکان سازگاری یا مشترک‌بودن اهداف مرتبط با آن سیاست‌ها افزایش می‌یابد.

**ت. روابط میان ساختارها و روند کارهای سیاست‌گذاری:** امکان تدبیر و اجرای راه‌حل‌های یکپارچه برای مشکلات مشترک و یا مرتبط با یکدیگر توسط ساختارها و روند کارهای سازگار، مشترک، غیرکشمکشی، و هماهنگ، فراهم می‌شود. اتصال و ارتباط میان ساختارها و روند کارهای سیاست‌گذاری از زاویه بُعدهای دوگانه افقی (میان عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری) و عمودی (میان سطوح راهبردی و عملیاتی سیاست‌گذاری) در پی بررسی اثرگذاری نیازمندی‌های ساختاری و روند کاری یک سیاست بر نیازمندی‌های دیگر سیاست‌ها است.

**ث. روابط میان ابزارهای سیاست‌گذاری:** ابزارهای سیاستی همخوان، هماهنگ، مکمل، و تقویت‌کننده (در بخش‌های سیاست‌گذاری گوناگون) مسیر سیاست‌گذاری یکپارچه را تسهیل می‌کنند، در حالی که کشمکش میان ابزارها به از دست رفتن یکپارچگی در مرحله اجرای سیاست‌ها می‌انجامد.<sup>۵۵</sup>

38. M. Holden, "Is Integrated Planning any More than the Sum of Its Parts? Considerations for Planning Sustainable Cities", p. 305.
39. Briassoulis, *ibid*.
40. Briassoulis, *ibid*, p. 9.
41. Stead & Meijers, "Spatial Planning and Policy Integration: Concepts, Facilitators and Inhibitors", p. 321.
42. Briassoulis, *ibid*, p. 8; Briassoulis, "Policy Integration for Complex Policy Problems: What, Why and How", p. 11
43. S. Kidd, "Towards a Framework of Integration in Spatial Planning", p. 162; M. Buser & S. Farthing, "Spatial Planning as an Integrative Mechanism: A Study of Sub-regional Planning in South Hampshire", p. 308
44. Briassoulis, "Complex Environmental Problems and the Quest for Policy Integration", p. 54; Stead and Meijers, *ibid*, p. 319.
45. Stead and Meijers, *ibid*; G. Berger and R. Steurer, "Horizontal Policy Integration and Sustainable Development: Conceptual Remarks and Governance Examples", p. 1; B. Bornemann, "Sustainable Development and Policy Integration- Some Conceptual Clarifications", pp. 3-4.

46. cross-cutting

47. Stead and Meijers, *ibid*;

Kidd, *ibid*, pp. 162-163.

48. Kidd, *ibid*, p. 163.

49. Stead and Meijers, *ibid*;

هر بخش زنجیره‌ای عمودی از نمایندگی‌های ملی، منطقه‌ای و محلی است که فعالیت‌هایشان در جهت دستیابی به یک هدف کلان بخش-سو (sector-orientated goals)

در خصوص یک موضوع کاربردی تخصصی مشترک از طریق اقدام‌ها و روندکارهای مرتبط با یکدیگر تنظیم می‌شود (K.S. Christensen, *Cities and Complexity-Making Intergovernmental Decisions*, p. 66).

50. Underdal, *ibid*, pp.

160-163; T. Tsekos,

"Towards Integrated Policy

Making: Remediating the

Public Action Dichotomy

through Information

and Communication

Technologies and Learning",

pp. 2-3; Kidd, *ibid*, pp. 164-

167; Bornemann, *ibid*, pp.

6-8; Stead and Meijers, *ibid*,

p. 320; Holden, *ibid*, pp.

310-314.

۵۱. ز. دانشپور و و. ابراهیم‌نیا و م.

محمودپور، «تدبیر چارچوب مدیریت

دانش برای سیاست‌گذاری یکپارچه

در کلان‌شهر تهران»، ص ۶۰.

52. Briassoulis, "Policy

Integration for Complex Policy

Problems: What, Why and

How", p. 8; Briassulis,

←

صاحب‌نظرانی چند در بریتانیا و ایالات متحده<sup>۵۷</sup> با پشتیبانی اصلی دو زمینه فکری «نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی»<sup>۵۸</sup> و «نظریه ساخت‌یابی»<sup>۵۹</sup> با کاربرد در رهیافت همکارانه<sup>۶۰</sup> مطرح شد. در این مبحث، به نظریه‌های مرتبط و مؤثر بر رهیافت همکارانه و نیز به انگاشت‌های درونی رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری پرداخته می‌شود تا زمینه لازم برای ورود به بحث‌های دوگانه و اصلی به‌کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری و نقش رهیافت همکارانه در سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری فراهم شود.

## ۲.۴.۲. نظریه‌های مرتبط و مؤثر بر رهیافت همکارانه

تفکر و عمل رهیافت همکارانه را می‌توان متأثر از نظریه‌ها و رهیافت‌های زیر دانست:

**نخست.** نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی: این نظریه بیشترین اثر را بر شکل‌گیری و دگرگونی رهیافت همکارانه داشته است. اصول مورد نظر برنامه‌ریزی ارتباطی و مؤثر بر تفکر و عمل رهیافت همکارانه را می‌توان چنین بیان کرد:

**الف.** به رسمیت شناختن شکل‌های متفاوت دستیابی به شناخت: نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی افزون بر دانش علمی و فنی متخصصان، شناخت حاصل از استدلال کاربردی<sup>۶۱</sup> (که ظرفیت انسان عقلانی برای هدایت عمل خود بر پایه اصول تعریف شده است<sup>۶۲</sup>) و دانش فردی<sup>۶۳</sup> (یعنی دانشی که دارنده آن به طور مستقیم از تجربیات خود کسب کرده و این دانش نه در معرض تدوین رسمی است و نه فرایند رسمی تصدیق<sup>۶۴</sup> در مورد آن پیموده شده و نه می‌تواند به فراتر از محیط مشخصی، که در آن محیط به دست آمده، تعمیم یابد<sup>۶۵</sup>) را نیز شکل‌های دیگری از شناخت معرفی می‌کند<sup>۶۶</sup>.

**ب.** تأکید بر اهمیت عناصر شخصی در زمینه‌های اجتماعی: نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی افراد را دارای راه‌های استدلال و ارزش‌گذاری ویژه خود می‌داند و تأکید می‌کند که چنین راه‌هایی

## ۴.۲. شکل‌گیری نظری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری

رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری، با به رسمیت شناختن و توجه به روابط قدرت آشکار نیروهای رسمی و ناآشکار و یا غیررسمی هدایت‌کننده اندیشه‌های راهنمای تصمیم‌ها و سیاست‌های افراد، گروه‌ها، و نهادها و در نظر گرفتن منافع متناقض و کشمکش‌های ناشی از منافع متناقض عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری متعدد در سیستم‌های شهری، فرایند و سازوکاری را- در میان‌کنش میان عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دارای منافع متفاوت و گاه متضاد که در آن راهبردهای برنامه‌ریزی برای گشودن مشکلات برنامه‌ریزی تعیین می‌شود- معرفی می‌کند. مقصود آن است که با برقراری ارتباط میان دانش فنی و سیستماتیک با دانش فردی و محلی (در میان دیگر مقاصد)، برای سیستم برنامه‌ریزی امکان حرکت به سمت یکپارچگی در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، و برنامه‌ریزی را- به‌ویژه در سطوح شهری و بزرگ‌شهری- فراهم کند.

در مبحث مربوط به رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری در این مقاله، به چپستی نظریه‌های مرتبط و مؤثر بر رهیافت همکارانه، انگاشت‌های درونی این رهیافت در برنامه‌ریزی شهری، و چگونگی به‌کارگیری آن در برنامه‌ریزی شهری پرداخته شده است.

## ۱.۴.۲. انگیزه ورود رهیافت همکارانه به برنامه‌ریزی شهری

تردیدهایی که از دهه ۱۹۶۰ در کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا در مورد نقش برنامه‌ریزی شهری رایج در آن زمان در جبران نابرابری گروه‌های مختلف جامعه در دستیابی به کالاها، خدمات، فرصت‌ها، و قدرت تصمیم‌گیری ایجاد شد، برانگیزاننده اندیشه‌های خواهان دخالت و اثرگذاری بیشتر گروه‌های خارج از سیستم‌های رسمی تصمیم‌گیری در فرایندهای سیاست‌گذاری بخش عمومی شدند. رهیافت همکارانه یکی از این اندیشه‌ها است<sup>۵۶</sup> که در دهه ۱۹۹۰ از سوی

→ "Complex Environmental Problems and the Quest for Policy Integration", p. 54; Stead & Meijers, *ibid*; R.J.W. Cowell & S.J. Martin, "The Joy of Joining up: Modes of Integrating the Local Government Modernisation Agenda", p. 161.

53. Briassoulis, *ibid*, pp. 59-64.

54. M.A. Shannon & C.H. Schmidt, "Theoretical Approaches to Understanding Intersectoral Policy Integration", pp. 4-5.

55. Robert, et al, "Spatial Impacts of Community Policies and Costs of non-co-ordination", p. 107

۵۶. رهیافت برنامه‌ریزی و کالتسی که نخستین بار در ایالات متحده امریکا شکل گرفت، اندیشه یاری در برنامه‌ریزی در کشورهای مختلف به‌ویژه بریتانیا، و حرکت به سمت هرچه دموکراتیک‌تر کردن فرایندهای تصمیم‌گیری از طریق مشارکت دادن مردم در این فرایندها در کشورهای اروپایی و ایالات متحده امریکا، از دیگر اندیشه‌ها در این زمینه هستند (ز: دانشپور، درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، ص ۳۱۸-۳۳۱. ۵۷. نک: J.E. Innes, "Planning Theory's Emerging Paradigm: Communicative Action and Interactive Practice";

←

در جوامع متنوع و دارای تجربه گفتمان<sup>۶۷</sup> (که مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، انگاشت‌ها و گونه‌بندی‌هایی تعریف شده که از طریق آن‌ها نه فقط به پدیده‌های اجتماعی و کالبدی معنی داده می‌شود<sup>۶۸</sup>، بلکه زبانی را برای گفت‌و شنود درباره نوع خاصی از دانش درباره یک موضوع فراهم می‌کنند<sup>۶۹</sup>) و گفت‌و شنود<sup>۷۰</sup> (که شکلی از ارتباط فردی، عموماً از راه میان‌کنش چهره‌به‌چهره تعریف شده<sup>۷۱</sup>) به صورتی متفاوت شکل می‌گیرند.<sup>۷۲</sup>

پ. ایجاد درک میان‌کنشی از فعالیت برنامه‌ریزی شهری: درک میان‌کنشی<sup>۷۳</sup> از فعالیت برنامه‌ریزی شهری یعنی کوشش در اینکه راهبردهای این فعالیت در فرایند میان‌کنش میان عوامل تصمیم‌گیری از طریق گفت‌و شنود و مناظره<sup>۷۴</sup> تولید شوند. میان‌کنش در فعالیت برنامه‌ریزی شهری شامل شناخت، ارزش‌گذاشتن، و گوش کردن به آوای افراد و ذی‌نفعان درباره مشکلات آن جامعه شهری و راه‌های گشودن آن مشکلات و جستجوی امکان ترجمه افکار این افراد و گروه‌ها در یک فرایند یادگیری متقابل<sup>۷۵</sup> (یعنی فرایند برقرار کردن ارتباط میان دانش پردازش‌شده متخصصان با دانشی که افراد از طریق تجربیات خود کسب کرده‌اند، برای یافتن مشکلات مشترک و راه‌های ممکن گشودن آن مشکلات<sup>۷۶</sup>) است تا امکان تغییر اولویت‌های پیشین افراد (آنگاه که از منافع شخصی یکدیگر و منافع جمعی خود آگاه می‌شوند) حاصل شود.<sup>۷۷</sup>

ت. شناسایی منافع متضاد و توجه به پیروی منافع از روابط قدرت: نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی بر اهمیت دانستن این‌که مردم منافع و انتظارات متضادی دارند و روابط قدرت می‌توانند نه فقط از راه اثرگذاری بر منافع مادی، بلکه هم‌چنین با تحمیل فرضیات و روش‌های عملی که همواره به‌عنوان امری درست فرض می‌شوند بر مردم چیره‌شوند، تأکید دارد.<sup>۷۸</sup>

ث. کوشش در ایجاد هم‌رأیی<sup>۷۹</sup>: برنامه‌ریزی شهری به معنای عملی است که قرار است از راه «هم‌رأیی» (به معنای توافق کلی در مورد یک رأی یا داوری و یا یک راه‌حل موردپذیرش

و پشتیبانی جمع، حتی اگر دلخواه همگان نباشد) و در «فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر هم‌رأیی»<sup>۸۰</sup> (فرایند تصمیم‌گیری گروهی و در پی دستیابی به هم‌رأیی همه تصمیم‌گیران) که در برابر و گزینه «فرایند تصمیم‌سازی هم‌آوردانه»<sup>۸۱</sup> قرار دارد (که از جایگاهی یک‌سویه و دارای کشمکش میان افراد، گروه‌ها و یا کل جامعه مطرح می‌شود) و با تصمیم‌های جمعی از سوی دولت منتخب مردم برای دست یافتن به هم‌رأیی در تصمیم‌گیری انجام گیرد. به این ترتیب است که هم‌رأیی در تصمیم‌گیری قرین یکپارچگی تصمیم‌ها و سیاست‌ها می‌شود.<sup>۸۲</sup> ایجاد هم‌رأیی در رهیافت همکارانه اشاره به فرایندهایی دارد که در آن‌ها ذی‌نفعان با منافع متفاوت و از راه مباحثه‌های بلندمدت و چهره‌به‌چهره در جست‌وجوی توافق بر سر راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، یا اقدامات و دستیابی به منابع جدید شناخت و تحلیل (که حاصل درک میان‌کنشی از فعالیت برنامه‌ریزی شهری است) هستند.<sup>۸۳</sup>

دوم. نظریه ساخت‌یابی و کاربرد آن در رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی: نظریه ساخت‌یابی در قلمرو مکتب نونهادباور<sup>۸۴</sup> در جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد<sup>۸۵</sup> که در پی روشن کردن نقش نهادها<sup>۸۶</sup> در تعیین جهت‌گیری‌های هنجاری، توافق‌ها، و کاربست‌های درست فرض شده در جامعه است که رفتار افراد و گروه‌ها در جامعه را شکل می‌دهند و بر آن اثر می‌گذارند<sup>۸۷</sup> و از این‌راه در تعیین برآمدهای اجتماعی و سیاسی اثرگذار هستند.<sup>۸۸</sup>

تمرکز نظریه ساخت‌یابی را می‌توان چنین خلاصه کرد که: با وجود قیود و محدودیت‌های ناشی از روابط قدرت و روابط اقتصادی، مردم فعالانه و در میان‌کنش با یکدیگر، هم‌جهان مادی خود و هم سیستم‌های معنی<sup>۸۹</sup> (یعنی رابطه بین یک معنی اختصاص داده‌شده و یک پدیده) خود را می‌سازند، این به این معنی است که «عاملیت فعال»<sup>۹۰</sup> (که اشاره دارد به ظرفیت فعال‌شده افراد جامعه برای عمل مستقل و انتخاب رها از قیود و محدودیت‌ها)، با «ساختارهای محدودکننده» شامل قواعد (یعنی روند کارهایی که برای تأیید و بازتولید کاربست‌های



→ M. Tewdwr-Jones and

P. Allmendinger, *Planning Futures: New Directions for Planning Theory*; J.

Innes and D. Booher, "The Impact of Collaborative Planning on Governance Capacity, Institute of Urban & Regional Development"; P. Healey, "Collaborative Planning; Shaping Places in Fragmented Societies".

۵۸. نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی (communicative planning) با پشتوانه دو نظریه (theory post-positiv-) پس-اثبات‌باور (ist) که تجربه را تنها منبع کشف حقیقت می‌داند، مطرح شده: نظریه عمل‌باوری (pragmatism) و نظریه عمل ارتباطی (theory of communicative action).

عمل‌باوری با بیان نمونه‌هایی سعی در جستجوی مثال‌هایی از بهترین کاربردها در برنامه‌ریزی دارد تا بتواند کلیاتی را برای راهنمایی عمل در آینده ترسیم کند (Feinstein, "Collaborative Planning; Shaping Places in Fragmented Societies", pp. 453-454).

نظریه عمل ارتباطی در جستجوی یافتن مفاهیم رقیب عقلانیت در برنامه‌ریزی است. عقلانیت شیوه‌ای است که انسان برای دستیابی و تضمین اهداف خود با توجه به موانع، محدودیت‌ها، و قیودی که بر او تحمیل می‌شود انتخاب می‌کند. در برنامه‌ریزی عقلانی کلاسیک عقلانیت ابزاری (instru-mental rationality) ←

و راهبردسازی، راهی‌گزین را به منظور به چالش کشیدن این روابط قدرت معرفی می‌کند. هریک از این انگاشت‌ها را در زیر می‌توان چنین معرفی کرد:

**نخست. انگاشت دانش محلی:** رهیافت همکارانه یکی از منابع پاسخ به پرسش‌هایی چون چیستی مشکلات و چیستی راه‌حل مشکلات را دانش محلی می‌داند. دانش محلی دارای فرایندهای استدلال<sup>۹۹</sup> مخصوص به خود است که با اینکه در آن‌ها هم نتایج از قضایای ثابت‌شده<sup>۱۰۰</sup> نشئت می‌گیرند، ولی ممکن است برخلاف آنچه در دانش فنی روی می‌دهد، مسیر استدلال روشن نشود و قضایای ثابت‌شده هر گروه کاملاً متفاوت با گروه‌های دیگر باشد، اما این به معنی برتری برخی عوامل تصمیم‌گیری بر دیگران نیست<sup>۱۰۱</sup>. برنامه‌ریزی فضایی نیازمند کسب آگاهی در مورد همه این شکل‌های بالقوه استدلال و اجتناب از تحریف‌های گروه‌های قدرتمند است تا دامنه گسترده خواست‌ها، ارزش‌ها، و نیازهای گروه‌های مختلف در فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در نظر گرفته شود<sup>۱۰۲</sup>.

**دوم. انگاشت سهم‌بری:** انگاشت سهم‌بری به همه کسانی که در یک موضوع خاص منفعتی دارند یا می‌توانند در آن اثری بگذارند، به عنوان ذی‌نفعان، اشاره می‌کند.<sup>۱۰۳</sup> فعالیت‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر رهیافت همکارانه به پذیرش مجموعه تا حد امکان کاملی از این گروه‌ها هم در تعیین ارزش‌های برنامه‌ریزی در هر جامعه، و هم در چگونگی تعبیر و تفسیر این ارزش‌ها به عمل برنامه‌ریزی تأکید دارد.<sup>۱۰۴</sup>

**سوم. انگاشت گوناگونی:** گوناگونی در جامعه نشان از این دارد که مردم در حالی در مورد اینکه چه چیزی «درست» است تصمیم می‌گیرند که «درست» در نظر هریک از آن‌ها، بر اساس چارچوب‌های ترجیح<sup>۱۰۵</sup> (یعنی مجموعه‌ای از انگاشت‌ها، ارزش‌ها، آداب، دیدگاه‌ها، پیش‌فرض‌ها، باورهای مذهبی و فلسفی، و مانند آن که افراد از طریق آن‌ها داده‌ها را درک، تفسیر، و ارزش‌گذاری می‌کنند، اندیشه‌ها را انتقال می‌دهند و رفتار خود را تنظیم می‌کنند)،

اجتماعی به کار گرفته می‌شوند) و جریان‌های منابع (شامل منابع زورمدارانه<sup>۹۱</sup>، یعنی منابع غیرمادی قدرت و عامل چیرگی برخی افراد بر سایرین، و منابع توزیعی<sup>۹۲</sup> که منابع مادی-چه طبیعی و چه دست‌ساخت- قدرت هستند) میان‌کنش دارد<sup>۹۳</sup>. این نظریه ساختارهای محدودکننده را نه نیروهایی «بیرون» از مردم، بلکه شکل‌گرفته و اثرپذیرفته از روابط اجتماعی مردم در زندگی روزانه آن‌ها می‌داند، زیرا قدرت را فراتر از آنچه آشکارا در محدودکردن دسترسی افراد به منابع و فرصت‌ها در جامعه اعمال می‌شود، در مواردی دربرگیرنده قواعد پذیرفته‌شده رفتار، جریان‌های منابع، و اندیشه‌ها و چارچوب‌های ترجیح مورد استفاده مردم نیز می‌داند<sup>۹۴</sup>، یعنی افراد از طریق شبکه‌هایی که در آن عضو هستند، همواره در حال بازشکل‌دهی و به چالش کشیدن روابط قدرت موجود هستند.

## ۲. ۴. ۳. انگاشت‌های درونی رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری

انگاشت‌های درونی رهیافت همکارانه در این مقاله از یک سو، به‌منظور تشریح بُعد نظری رهیافت همکارانه، و از سوی دیگر، برای فراهم‌کردن دانش مورد نیاز برای تعیین عناصر اصلی و اصول پایه تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری در شهر تهران (که در بندهای ۴ و ۵ تشریح‌شده‌اند)، معرفی می‌شوند. در رهیافت همکارانه، آن‌طور که از سوی Healey مطرح شده، امکان اعمال روابط قدرت، نه فقط با تخصیص رسمی حقوق و مسئولیت‌های افراد در جامعه، بلکه همچنین با پذیرفتن پیش‌فرض‌های مسلم‌گرفته‌شده (یعنی آنچه از پیش و همواره درست فرض می‌شود) و قایل شدن مزیت برای منافع برخی افراد یا گروه‌ها و اولویت دادن به برخی اشکال شناخت و تصمیم‌گیری درباره چگونگی سازمان‌دادن امور وجود دارد<sup>۹۵</sup>. این رهیافت بر پایه انگاشت‌های دانش محلی<sup>۹۶</sup>، سهم‌بری<sup>۹۷</sup>، گوناگونی<sup>۹۸</sup>، هم‌رأیی

→ چیره است، یعنی عقلانیتی که در انتخاب تصمیم‌ها از میان گزینه‌های روشنی فایده‌بآورانه دارد (یعنی بر پایهٔ ابزارباوری عمل می‌کند که هر چیز را وسیله یا ابزار عمل می‌داند و فقط در صورتی که کاربرد عملی داشته باشد آن را مفید و باارزش می‌داند).  
 ۵۹. نظریهٔ ساخت‌یابی (structuration theory) که از سوی گیدنز (Giddens, *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*) بیان شده بر درک رابطهٔ میان عاملیت انسانی (agency) و ساختارهای اجتماعی (social structures) تمرکز دارد (در جامعه‌شناسی، عاملیت-متضاد انگاشت ساختار اجتماعی-اشاره‌دار بر ظرفیت افراد برای عمل مستقل و دارا بودن حق انتخاب و باز در همین علم، ساختار اجتماعی-متضاد انگاشت عاملیت-اشاره‌دار بر ترتیبات اجتماعی الگویافته و بازخندهنده در جامعه که یا بر فرصت‌ها و اختیارهای افراد اثر می‌گذارد و یا آنها را محدود می‌کند). در نظریهٔ ساخت‌یابی هر چند که عوامل انسانی در چارچوب ساختارها و الزامات تحمیلی به آن‌ها عمل می‌کنند، اما خود نیز در تغییر و باز شکل‌دهی به این ساختارها نقشی فعال دارند.  
 ۶۰. نک:

Healey, *ibid*; Harris, "Collaborative Planning: From Theoretical Foundations to Practice Forms"; R. Brand and F. Gaffikin, "Collaborative Planning in an Uncollaborative World".

خود به گونه‌ای متفاوت تعیین می‌شود. دلیل توجه به این انگاشت در رهیافت همکارانه آن است که همکاری در دنیایی چندفرهنگی<sup>۱۰۶</sup> از راه ارتباط‌های اجتماعی شکل می‌گیرد<sup>۱۰۷</sup>، یعنی سیستم‌های معنی افراد در فرایندهای بین‌ذهنی<sup>۱۰۸</sup>، که در ارتباط‌های اجتماعی روی می‌دهند، شکل می‌گیرند. فرایندهای بین‌ذهنی به معانی مشترکی اشاره‌دارد که از سوی مردم و در میان کنش آن‌ها با یکدیگر ساخته می‌شود و مرجعی برای تفسیر معنی عناصر زندگی اجتماعی و فرهنگی می‌شود. وجود فرایندهای بین‌ذهنی به معنی وجود تعاریف مشترک برای یک موقعیت یا وضعیت است<sup>۱۰۹</sup>.

**چهارم. انگاشت هم‌رأیی:** در جامعه‌ای که شکاف‌ها، گسستگی‌ها، و گوناگونی منافع و خواست‌های ذی‌نفعان وجود دارد و روابط قدرت نیز امکان چیرگی بر تلاش‌هایی را دارند که ممکن است برای دستیابی به توافق انجام شود، رهیافت همکارانه با پشتیبانی رهیافت نونهادباور در جامعه‌شناسی (که در بند ۲، ۴، ۲ تشریح شد)، وارد کردن همهٔ ذی‌نفعان در گفت‌و شنود و مباحثه و ایجاد سیستم‌های معنی و روش‌های عمل مشترک در میان آن‌ها را لازمهٔ ایجاد هم‌رأیی می‌داند: برنامه‌ریزی شهری از طریق برقراری اتصال میان شبکه‌های ارتباطی مختلف موجود در یک فضا می‌تواند چارچوب‌های ترجیح، سیستم‌های معنی، و روش‌های عمل مشترک ایجاد کند. این عمل از طریق گفت‌و شنود میان ذی‌نفعان و یادگیری اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود<sup>۱۱۰</sup>. یادگیری اجتماعی یادگیری است که از طریق میان‌کنش اجتماعی افراد در شبکه‌های اجتماعی روی می‌دهد و مشاهدهٔ رفتار دیگران و پیامدهای این رفتارها موجب تغییر درک افراد در واحدهای اجتماعی و ایجاد اندیشه‌ها و رفتارهای جدید می‌شود<sup>۱۱۱</sup>.

**پنجم. انگاشت راهبردسازی:** راهبردسازی در رهیافت همکارانه فرایند تغییر آگاهانهٔ سیستم‌های معنی و چارچوب‌های ترجیح است. این فرایند کوششی است برای یافتن همهٔ ذی‌نفعان و ایجاد گفت‌و شنود و مباحثه میان آن‌ها. مشارکت‌کنندگان در این فرایند دربارهٔ این می‌آموزند که سایرین به چه مباحثی توجه می‌کنند، چه ارزش‌هایی را

گرامی می‌دارند، و چه راه‌هایی برای تفکر و عمل دارند، تا در نتیجهٔ این یادگیری، امکان شکل‌گیری چارچوب‌های ترجیح و سیستم‌های معنی مشترک-به معنی تصویری مشترک در مورد روش‌های عمل ممکن و پیامدهای آن- در میان آن‌ها ایجاد شود. این تصور جمعی ظرفیتی را برای دستیابی به هم‌رأیی در مورد اولویت‌بندی موضوعات و همچنین شناسایی اهداف پیامدها، هزینه‌ها، و فواید هر تصمیم یا سیاست ایجاد می‌کند<sup>۱۱۲</sup>. یعنی راهبردسازی از یک اقدام فنی و حاصل فرایندهای عینی<sup>۱۱۳</sup> به یک عمل جمعی یادگیری تبدیل می‌شود<sup>۱۱۴</sup>.

**۴.۴.۲. به کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری**  
 هر گونه بحث دربارهٔ به کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری، در واقع معرفی فعالیت‌های اصلی برای وارد کردن انگاشت‌های رهیافت همکارانه (در بند ۲، ۵، ۳ معرفی شد) در برنامه‌ریزی شهری است. این فعالیت‌ها، که در این مقاله زمینه‌های اصلی تدوین معیارهای تحلیل فرصت و موانع به کارگیری این رهیافت را تعیین می‌کنند (نک: بند ۲، ۵)، به مشکلی که قصد گشودن آن هست، انواع ارتباط‌ها و شبکه‌های موجود در هر مکان و سیستم برنامه‌ریزی، و راه‌های تقویت این ارتباط‌ها وابسته هستند<sup>۱۱۵</sup>. با وجود این می‌توان بر پایهٔ پژوهش‌ها و تجربه‌های گوناگون مطرح در سطح جهان<sup>۱۱۶</sup> این گونه بیان کرد که به کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری نیازمند طراحی نهادی<sup>۱۱۷</sup> برای شکل دادن به ساختاری از تصمیم‌گیری است که برانگیزانندهٔ همکاری میان ذی‌نفعان باشد. در این مقاله بر پایهٔ منابع پیش‌گفته، شیوه‌ای کلی برای به کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری، شامل دو عنصر اصلی محتوایی و روند کاری و اجزای آن‌ها، به شرح زیر معرفی می‌شود:

**نخست. عناصر روند کاری به کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری:** عناصر روند کاری به کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری، تغییرات روند کارهای تصمیم‌گیری در بخش عمومی و نیز برنامه‌ریزی شهری را تا فراهم‌آوری امکان

### ۳. نقش رهیافت همکارانه در سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری

درک جایگاه رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری بازتاب پذیرش دیدگاهی غیرخطی<sup>۱۲۰</sup> به سیستم‌های سیاست‌گذاری و پیچیده دانستن این سیستم‌ها است، یعنی سیستم‌هایی که ویژگی‌های آن‌ها با درک «روابط» میان عناصر سیستم تعریف می‌شود، تا درک جداگانهٔ هر یک از عناصر: در سیستم‌های سیاست‌گذاری دامن‌های فراگیر از عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درگیر هستند که درون و بین سطوح فضایی و در زمانی متفاوت میان‌کنش دارند. برآمد نهایی سیستم سیاست‌گذاری حاصل میان‌کنش این عوامل، ارزش‌ها و اهداف، موقعیت، منابع، توانایی‌هایی پردازش اطلاعات آن‌ها، و راه‌های گوناگونی است که سیاست‌گذاران از آن راه منافع خود را دنبال می‌کنند. این بدان معنا است که این برداشت که سیستم سیاست‌گذاری هم‌چون

عمل بر پایهٔ انگاشت‌های رهیافت همکارانه در بر می‌گیرد (ت ۴). دوم، عنصر محتوایی به‌کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری؛ راه‌اندازی فرایند راهبردهاسازی: در گفت‌وشنود میان ذی‌نفعان در هر موضوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، موضوعات گوناگونی دربارهٔ حقایق، ارزش‌ها، مطالبات نیازمند توجه، و پیامدهای تصمیم‌ها و سیاست‌ها بیان می‌شوند<sup>۱۱۸</sup> که این برخلاف فعالیت‌های برنامه‌ریزی شهری غیرهمکارانه است (که این موارد به زبان فنی مورد استفادهٔ تحلیل‌گران و مقامات اداری سیستم برنامه‌ریزی ترجمه و تفسیر می‌شوند). در حالی که در برنامه‌ریزی مبتنی بر رهیافت همکارانه، راهبردهاسازی (چنان‌که در تعریف انگاشت راهبردهاسازی در بندهای ۲ و ۳، ۴، ۲ تشریح شد) در پی ایجاد مباحثه میان همهٔ ذی‌نفعان برای یافتن روش‌های جدید در نگرستن به مشکلات- که در فرایند ایجاد هم‌رأیی ارزش‌های همهٔ گروه‌های دارای سهم را گرامی بدارد- است<sup>۱۱۹</sup>.

عرصه‌های اصلی تغییرهای روند کاری برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه	مسیرهای تغییرهای روند کاری برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری
چارچوب‌های قانونی و روند کارهای اداری بخش عمومی	فراهم کردن ابزارهای مورد نیاز فرایندهای ایجاد هم‌رأیی در برنامه‌ریزی شهری: تغییر هم در قواعد قانونی و هم در روند کارهای اداری بخش عمومی (شامل حقوق و وظایف عوامل سیاست‌گذاری و تخصیص منابع) برای پشتیبانی از این فرایندها.
روند کارهای مورداستفاده در سیستم برنامه‌ریزی شهری برای تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها	- تعیین ذی‌نفعان در هر موضوع مورد تصمیم‌گیری: پاسخ به این پرسش که گروه‌های اثرگذار و یا اثرپذیر در هر موضوع برنامه‌ریزی شهری چه کسانی هستند*. - تعیین روند کارهای سازماندهی و شیوه‌های گفت‌وشنود: بحث پیرامون مواردی چون اینکه محل گفت‌وشنود چه ویژگی‌هایی داشته باشد، چه کسی و چگونه صحبت کند تا همهٔ مشارکت‌کنندگان بتوانند نظرهای خود را بیان کنند و در گفت‌وشنود شرکت کنند. - تعیین سازوکارهای حفظ هم‌رأیی در طول زمان**.
	* با وجود این که روش علمی و بی‌طرفانه‌ای برای تشخیص این گروه‌ها تعریف نشده است (Healey, "Collaborative Planning...", p. 269)، افرادی که ممکن است در موقعیت رهبری سیاسی نباشند، اما جایگاه‌های نهادی مختلفی در جامعه دارند (که آنها را دارای نقش «رهبری» (Selin and Chavez, ibid, p. 191) در جامعه می‌کند) می‌توانند به تشخیص و بسیج ذینفعان کمک کنند. ** به سه دلیل، راهبردهاسازی هم به تداوم در طول زمان و نیز به وجود درکی روشن از حق به‌چالش کشیدن هم‌رأیی، نیاز دارد (Healey, ibid, pp. 279-280): یعنی نخست) ممکن است گروه‌های مختلف در طول زمان تفسیرهای متفاوتی از توافقی که در مورد آن هم‌رأیی به‌دست‌آمده را در عمل به‌کارگیرند، دوم) ممکن است گروه‌های دارای قدرت جدیدی امکان اثرگذاری بر تصمیم‌ها و سیاست‌ها را پیدا کنند و بتوانند راهبردهای مورد توافق را تحریف کنند، و، سوم) ممکن است برخی گروه‌ها معتقد باشند در برخورد با آنها عدالت رعایت نشده‌است. تحقق چنین درکی نیاز به تعیین سازوکارهای ثبت توافق‌ها، سازوکارهای بررسی عدم توافق‌ها و ابزارهای استیناف برای ذینفعان از ابتدای فرایند برنامه‌ریزی دارد.

61. practical reasoning  
62. R.J. Wallace, *Practical Reason, the Stanford Encyclopedia of Philosophy*, practical reasoning.  
63. personal knowledge  
64. Verification  
65. J. Friedman, *Retracking America- A theory of Transactive Planning*, p. 245.  
66. Healey, *ibid*, pp. 54-55.  
67. Discourse  
68. M. Hajer, *The Politics of Environmental Discourse*, p. 43-45.  
69. S. Hall, "The Question of Cultural Identity", p. 613  
70. Dialogue  
71. Friedman, *ibid*, p. 244.

۷۲. ز. دانشپور، همان، ص ۴۱۵.

73. interactive understanding

۷۴. مناظره (debate) گفت‌وشنود رسمی در مورد یک موضوع ←

ت ۴. ماتریس نشان‌دهندهٔ عرصه‌های اصلی و مسیرهای تغییرهای روند کاری برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، بر مبنای

Healey, "Collaborative Planning; Shaping Places in Fragmented Societies", pp. 268- 279; USACE, *Collaborative Planning Process*

→ در یک جلسه عمومی یا جایگاهی قانونی است که در آن دیدگاه‌های مخالف یکدیگر مطرح می‌شوند.

75. mutual learning  
 76. Friedman, *ibid*, p. 245.  
 ۷۷. دانشپور، همان، ص ۴۱۷؛  
 Healey, *ibid*.  
 78. Healey, *ibid*.  
 79. consensus building  
 80. consensus decision-making  
 81. adversarial decision-making process  
 82. H.W.J. Rittel & M.M. Webber, "Dilemmas in a General Theory of Planning", p. 156.  
 83. J.E. Innes and D.E. Booher, "Consensus Building and Complex Adaptive Systems", p. 11; J. Innes, J. Gruber, M. Neuman, and R. Thompson, "Coordinating Growth and Environmental Management through Consensus Building", p. 48.  
 ۸۴. نهادباوری (institutionalism) که با شکل‌گیری علم سیاست در اواخر سده ۱۹ در این انتظام فکری مطرح شد، به توصیف و ترسیم و نهادهای رسمی حکومت و دولت مدرن می‌پرداخت. نونهادباوری (new institutionalism) در نیمه دوم سده ۲۰ در پاسخ به مکتب فکری رفتارباوری (که در دهه‌های پس از ۱۹۶۰، به‌ویژه ←

ماشینی پیش‌بینی‌شدنی است که در آن سیاست‌گذاران قادرند که در شرایط ثبات کامل، از طریق قاعده‌سازی<sup>۱۳۱</sup> از بالا به پایین و با تعیین استانداردهای الزام‌آور، برآمد نهایی این سیستم را به سوی یکپارچگی هدایت کنند، همخوان با واقعیت موجود در سیستم‌های سیاست‌گذاری نیست<sup>۱۳۲</sup>. در مقابل، برآمد سیستم سیاست‌گذاری را حاصل میان‌کنش‌های پیچیده رسمی و نیز غیررسمی عوامل چندگانه رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌دانند، که با به‌کارگیری دانش محلی خود و با تکیه بر قواعد رفتاری که از نظر آن‌ها معنی‌دار است، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌کنند<sup>۱۳۳</sup>. این ویژگی سیستم سیاست‌گذاری نشان از این دارد که راهی واحد و از ابتدا مورد پذیرش همگان برای صورت‌بندی سیاست‌ها- به عنوان راه‌های گشودن مشکلات- وجود ندارد و این امر بازتابنده تأکیدهایی است در رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی در مورد رویارویی با موانع (یا بازدارنده‌ها) برای شنیدن آوای همه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی که دارای منافع در هر موضوع برنامه‌ریزی هستند و یا بر دسترسی به منابع اثرگذار بر مشکلات در هر موضوع برنامه‌ریزی اثر می‌گذارند.

اهمیت رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه این است که با وجود متناقض بودن هدف و عمل در میان عوامل تصمیم‌گیری بخش عمومی و نیز میان عوامل تصمیم‌گیری عمومی و خصوصی (که متناقض بودن این منافع در هر دو بخش می‌تواند نشان از کشمکش‌هایی پیوسته داشته باشد) دستیابی به هم‌رایی در میان عوامل تصمیم‌گیری بر امکان تحقق سیاست‌گذاری یکپارچه اثرگذار است<sup>۱۳۴</sup>. در ردیابی موضوع ارتباط میان رهیافت همکارانه و سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری و در راستای هدف این مقاله، دو رویکرد کلی- که به طور صریح یا ضمنی این ارتباط را ردیابی کرده‌اند- شناسایی و در زیر معرفی می‌شوند:

**نخست. معرفی رهیافت همکارانه به عنوان یکی از عوامل یکپارچگی سیاست‌ها:** یکپارچگی سیاست‌ها را فرایند هماهنگ کردن سیاست‌های متعدد و تعدیل کردن آنها برای

ایجاد یک سیستم سیاست‌گذاری چند سطحی دانسته‌اند که کارکردهایش در هماهنگی با یکدیگر عمل می‌کنند. اگر در این فرایند عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مرتبط با دو یا چند سیاست مشترک باشند یا دارای روابط همکارانه، غیر کشمکش‌ی و غیرهماوردانه، و نیز دارای ارزش‌ها، چشم‌اندازها و اهداف مشترک باشند و به قواعد مشابهی وفادار باشند، آنگاه است که فرصت یکپارچگی سیاست‌ها افزایش می‌یابد<sup>۱۳۵</sup>. به این معنی که روابط همکارانه عوامل سیاست‌گذاری می‌تواند فرصت یکپارچگی میان سیاست‌های تدوین‌شده از سوی آن‌ها را افزایش دهد.

**دوم. قراردادن رهیافت همکارانه در دسته‌بندی دوگانه چگونگی دستیابی به یکپارچگی در سیاست‌گذاری:** Underdal بازسازمان‌دهی ساختار نهادی، از طریق بازتوزیع منابع یا اقتدار رسمی بین نهادها، را بخشی از رهیافت غیرمستقیم برای تحقق سیاست‌گذاری یکپارچه از راه پژوهش و آموزش معرفی می‌کند که می‌تواند، با اثرگذاری بر دانش و الگوورهاها (پارادایم‌ها<sup>۱۳۶</sup>) عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در طولانی‌مدت، به تحقق یکپارچگی در سیاست‌گذاری کمک کند<sup>۱۳۷</sup>. در مقابل رهیافت غیرمستقیم، به رهیافت مستقیم اشاره می‌کند که به معنی تدوین دستور کارهای سیاستی هماهنگ‌کننده الزامی برای عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است. در کار Hovik & Stokke<sup>۱۳۸</sup> مباحثه میان عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درباره چالش‌هایی که به‌طور مشترک با آن‌ها روبه‌رو هستند و کوشش برای رسیدن به هم‌رایی درباره چگونگی رویارویی با این چالش‌ها، زیرساخت‌های نهادی نرم<sup>۱۳۹</sup> (یعنی سازوکارهای غیررسمی همکاری عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری) دانسته شده که می‌تواند مکمل ابزارهای حقوقی و قانونی برای واداشتن عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای هماهنگی با یکدیگر (که زیرساخت‌های نهادی سخت<sup>۱۴۰</sup> نامیده شده‌اند) باشد و ظرفیت سیستم سیاست‌گذاری برای یکپارچگی را بالا ببرد. در ردیابی نقش رهیافت همکارانه در سیاست‌گذاری یکپارچه در



→ در ایالات متحده، توسعه یافت، با رد تمرکز بر ترتیبات رسمی و قانونی و اداری دولت و بخش عمومی- که موضوع مورد توجه نهادباوری در علم سیاست بود- رفتار سیاسی و منابع قدرت سیاسی را به طور عمده ناشی از روابط غیررسمی بیرون از نهادهای دولتی دانست، یعنی تغییر توجه به رفتار افراد در جامعه، شامل گروه‌های فشار، رفتار سیاسی افراد، و توزیع غیررسمی قدرت (S. Bell, *Institutionalism, in Government, Politics, Power and Policy in Australia*, pp. 364-365) مطرح شد که توجه دوباره به نهادها را در انتظام‌های گوناگون به همراه داشت (P.A. Hall & R. Taylor, "Political Science and the Three New Institutionalisms", pp. 13-17; V. Lowndes, "Varieties of New Institutionalism", pp. 182-183).

۸۵. نونهادباوری در «علم اقتصاد» دربارهٔ چرایی و چگونگی نقش نهادها در موضوعاتی چون کاهش هزینه‌های مبادله (transaction costs)، نامعلومی بازار (uncertainty)، و هزینه‌های اطلاعات (Information costs) صحبت می‌کند. نونهادباوری در «علم سیاست» بر چگونگی اثرگذاری چیدمان‌های نهادی بر شکل‌گیری قدرت و ترجیحات عوامل تصمیم‌گیری تمرکز دارد (Bell, *ibid*, p. 365).

۸۶. نهادها (institutions) چنین تعریف شده‌اند: راهنمای عمل متقابل انسان‌ها، یعنی چارچوب‌ها و قواعد مدون هدایت‌گر تصمیم‌سازی، ←

بیش‌ها و نگرش‌های افراد یک جامعه، منابع اطلاعاتی، نوآوری‌ها، و سیستم‌های اداری در جامعه است.<sup>۱۳۴</sup> گروه‌های شرکت‌کننده در فرایند همکارانه با گوش فرادادن به مشکلات دیگر گروه‌ها در مورد بین-وابستگی تصمیم‌های خود و سایرین (یعنی آنچه موجب می‌شود که افراد و گروه‌ها نتوانند مشکلات کلیدی خود را بدون همکاری سایرین بگشایند) دانش کسب می‌کنند.<sup>۱۳۵</sup> مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری دست‌کم آن‌ها را در زمینهٔ چگونگی اثرگذاری تصمیم‌ها در مورد هریک از عرصه‌های سیاست‌گذاری بر مشکلات یا راه‌حل‌های بالقوه برای گشودن مشکلات سایرین آگاه می‌کند.<sup>۱۳۶</sup> آگاهی از بین-وابستگی- چه به دلیل اینکه آن‌ها در فضای کالبدی مشترکی سهیم هستند و چه به دلیل اینکه با مشکلات اجتماعی یا محیطی مشابهی روبه‌رو هستند- ظرفیتی مشترک را برای بُرداری در مقابل تصمیم‌هایی، که با منافع آنها ناسازگار است، ایجاد می‌کند. افزون بر آن، هم‌رأیی ذی‌نفعان به این معنی است که آن‌ها دربارهٔ شناسایی مشکلات اولویت‌دار و علت‌های بروز این مشکلات و پیامدهای آن‌ها به توافق می‌رسند و دستیابی به این توافق به معنی ایجاد یک پایگاه دادهٔ مشترک در میان عوامل سیاست‌گذاری است.<sup>۱۳۷</sup> که یکی از منابع اصلی دستیابی به یکپارچگی در سیاست‌گذاری است.

**سوم. ایجاد سرمایهٔ سیاسی، ظرفیتی برای یکپارچگی با تجمیع قدرت و منابع برای اجرای سیاست‌ها:** به بیانی کلی سرمایهٔ سیاسی در سطح اجتماعی (در مقابل سطوح فردی و سازمانی) اندیشه‌ها و رفتارهایی است که بر سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اثرگذار هستند.<sup>۱۳۸</sup> با تجمیع قدرت اجرایی عوامل سیاست‌گذاری در فرایند سیاست‌گذاری همکارانه، از طریق اتحادی که برای اجرای توافق به‌دست‌آمده در میان آن‌ها ایجاد شده است،<sup>۱۳۹</sup> هر کوششی برای تصویب و اجرای سیاست‌ها از سوی همهٔ آن‌ها پشتیبانی می‌شود و این امر امکان یکپارچگی میان مراحل تدوین سیاست و اجرای آن را افزایش می‌دهد.

برنامه‌ریزی، به‌ویژه بر پایهٔ کار Innes و همکارانش<sup>۱۴۱</sup>، می‌تواند چنین بیان‌کرد که آنچه افزون بر محصول اصلی در فرایند سیاست‌گذاری مبتنی بر رهیافت همکارانه تولید می‌شود- یعنی تصمیم‌ها و سیاست‌هایی که در مورد آنها هم‌رأیی هست<sup>۱۴۲</sup>- در سه زمینهٔ اصلی زیر، ظرفیت سیستم سیاست‌گذاری برای یکپارچگی را افزایش می‌دهد:

**نخست. ایجاد سرمایهٔ اجتماعی؛ ظرفیتی برای یکپارچگی با ایجاد روابط فردی و سازمانی میان عوامل سیاست‌گذاری:** عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری که پیش از به‌کارگیری رهیافت همکارانه در فرایند سیاست‌گذاری یا روابطی با یکدیگر نداشته‌اند یا روابط میان آن‌ها هم‌اوردانه بوده است، با مشارکت در فرایندهای سیاست‌گذاری همکارانه می‌آموزند که چگونه با یکدیگر صحبت‌کنند و به یکدیگر گوش فرادهند. افزون بر آن می‌آموزند که هم‌وردان پیشین آنان نیز افراد و گروه‌هایی چون خود آن‌ها، ولی با منافی متفاوت هستند و با وجود موقعیت‌های مختلفی که هریک از افراد و گروه‌های شرکت‌کننده در فرایندهای سیاست‌گذاری در برابر سایرین دارند، منافع پایهٔ آن‌ها لزوماً مخالف با یکدیگر نیست و موضوعات و نکاتی نیز هست که می‌توانند در مورد آن‌ها با سایرین به توافق برسند. آگاهی در این زمینه‌ها موجب می‌شود عوامل سیاست‌گذاری آغاز به اعتماد به هم‌وردان پیشین خود کنند و حتی اگر اعتماد میان آن‌ها شکل نگیرد، امکان شکل‌گیری خطوطی از ارتباط و میزانی از درک متقابل ایجاد شود که در طول زمان به مشارکت‌کنندگان اجازه می‌دهد که به موضوعات پیش‌روی خود به طور انعطاف‌پذیر (و نه با در نظر گرفتن منافع از پیش تعیین‌شده و تغییرناپذیر خود) واکنش نشان دهند.<sup>۱۴۳</sup>

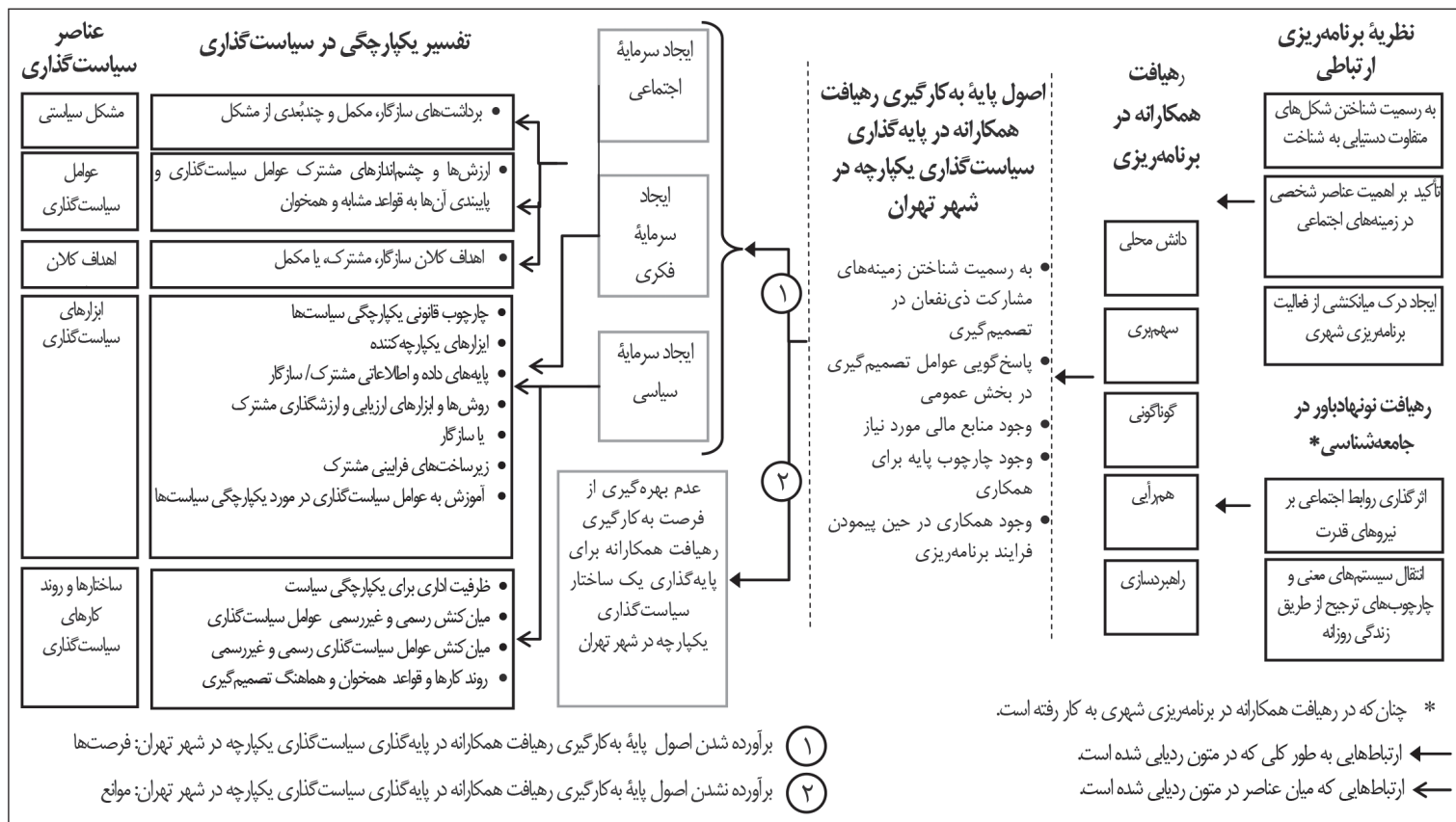
**دوم. ایجاد سرمایهٔ فکری؛ ظرفیتی برای یکپارچگی با آگاهی از بین-وابستگی تصمیم‌های خود و سایرین و دانش به اشتراک گذاشته شده در نتیجهٔ یافتن این بین‌وابستگی:** سرمایهٔ فکری در یک جامعه شامل دانش فردی و جمعی، مهارت‌ها، تجربه‌ها،

## ۴. جمع‌بندی آموزه‌های نظری و معرفی چارچوب اختیارشده برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران

در این مقاله جمع‌بندی آموزه‌های نظری و معرفی چارچوب اختیارشده برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه به منظور

ت ۵. نمودار ارتباط عناصر رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری با عناصر سیاست‌گذاری یکپارچه، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، بر پایه منابع مرتبطی چون:

Hovik & Stokke, "Network Government and...", pp. 931-933; Innes, et al, "Coordinating Growth and Environmental...", pp. 47-53; Berger and Steurer, "Horizontal Policy Integration and...", p. 4; Bornemann, "Sustainable Development and...", pp. 6-8; Briassoulis, "Complex Environmental Problems and...", pp. 58-64; Kidd, "Towards a Framework of Integration in...", pp. 164-167; Underdal, "Integrated Marine Policy—What? Why? How?", pp. 160-162; Stead and Meijers, "Spatial Planning and...", p. 320.



سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران با برقراری ارتباط میان نظریه‌های مؤثر و مرتبط با رهیافت همکارانه و انگاشت‌های اصلی این رهیافت با عناصر سیاست‌گذاری یکپارچه انجام شده است. این جمع‌بندی، که برآمد دو مرحله نخست فرایند معرفی‌شده در روش کار در این مقاله است (نک: بند ۲، ۱)، در «ت ۵» نیز به تصویر درآمده است. طبق این نمودار در صورتی‌که عناصر اصلی و اصول پایه به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران (که با اثرگذاری نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی و رهیافت نونهادباور در جامعه‌شناسی از انگاشت‌های دانش محلی، سهم‌گیری،



## ۵.۱. روش‌شناسی تحلیل فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران

فرایندی که در این مقاله برای ردیابی فرصت‌ها و موانع امکان استفاده از رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچگی در بزرگ‌شهر تهران طراحی، پیشنهاد، و به کار گرفته شده، فرایندی سه‌مرحله‌ای است. «ت ۶» این مراحل، گام‌ها، و روش‌های تحلیل در هر مرحله را نشان می‌دهد.

## ۵.۲. معرفی فرایند سه مرحله‌ای شناسایی فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران

فرایند سه مرحله‌ای شناسایی و تحلیل فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران (چنان‌که «ت ۶» نشان می‌دهد)، به صورت زیر در نظر گرفته شده و به کار رفته است.

## ۵.۲.۱. مرحله نخست، تعیین و انتخاب واحدهای تحلیل در شناسایی فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران

در این مقاله برای انتخاب واحدهای تحلیل در شناسایی فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران دوگام زیر پیموده شده‌اند: **گام نخست.** معرفی روش انتخاب نمونه انتقادی: روش انتخاب نمونه انتقادی یکی از روش‌های انتخاب نمونه (که در میان روش‌های اطلاعات-سوی انتخاب نمونه<sup>۱۴</sup> قرار می‌گیرد) و در پی به دست آوردن اطلاعات درباره نمونه‌ای است که دارای «متمثل‌ترین» یا «غیرمتمثل‌ترین» شرایط و ویژگی‌های مرتبط با انگاشت‌های مورد تحلیل در یک پژوهش است. انتخاب

گوناگونی، هم‌رایی، و راهبردسازی پشتیبانی می‌کند) تعیین، پیگیری، و دستیابی شوند، سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری، و سرمایه سیاسی که حاصل برنامه‌ریزی مبتنی بر رهیافت همکارانه هستند، می‌توانند در مجموع فرصت‌هایی را برای ایجاد یکپارچگی در چارچوب هریک از عناصر سیاست‌گذاری (شامل مشکل سیاستی، عوامل سیاست‌گذاری، اهداف کلان سیاست‌گذاری، ساختارها، و روند کارهای سیاست‌گذاری و ابزارهای سیاست‌گذاری) ایجادکنند (نک: بند ۳). عناصر اصلی و اصول پایه پیش‌گفته در بُعد روند کاری شامل زمینه‌های به رسمیت شناختن اصل مشارکت ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری، پاسخ‌گویی عوامل تصمیم‌گیری در بخش عمومی، وجود منابع مالی مورد نیاز، و وجود چارچوبی پایه و از پیش اندیشیده‌شده برای همکاری است، و در بُعد محتوایی شامل زمینه‌های وجود همکاری در حین پیمودن فرایند برنامه‌ریزی است (در «ت ۱۰» در بند ۲،۲،۵ معیارهای منتج از هریک از این عناصر اصلی و اصول پایه تشریح شده است).

## ۵. تحلیل فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران

به منظور تحلیل فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران، ابتدا به روش‌شناسی تحلیل فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران پرداخته شده و سپس فرایند سه مرحله‌ای تشریح‌شده در این روش‌شناسی پیموده شده است.

→ تصمیم‌گیری، و سیاست‌گذاری (در زمینه‌های گوناگون شامل قوانین و مقررات ملی و فراملی، قواعد همکاری در سطوح مختلف، و رفتار افراد در سازمان‌های مختلف) و نیز هنجارهای رفتاری، عقاید و باورهای نانوشته مردم که روابط متقابل انسان‌ها را با یکدیگر در سطوح مختلف شکل می‌دهند.

A. Faludi, "The Performance of Spatial Planning", p. 244; D.C. North, *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, (p. 3).

ت ۵. نمودار ارتباط عناصر رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری با عناصر سیاست‌گذاری یکپارچه، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، بر پایه منابع مرتبطی چون:

Hovik & Stokke, "Network Government and...", pp. 931-933; Innes, et al, "Coordinating Growth and Environmental...", pp. 47-53; Berger and Steurer, "Horizontal Policy Integration and...", p. 4; Bornemann, "Sustainable Development and...", pp. 6-8; Briassoulis, "Complex Environmental Problems and...", pp. 58-64; Kidd, "Towards a Framework of Integration in...", pp. 164-167; Underdal, "Integrated Marine Policy—What? Why? How?", pp. 160-162; Stead and Meijers, "Spatial Planning and...", p. 320.

87. Bell, *ibid*, p. 367.  
 88. Lowndes, *ibid*, p. 183.  
 89. systems of meaning  
 90. active agency  
 91. authoritative resources  
 92. allocative resources  
 93. Turner, "The Theory of Structuration", pp. 969-973.  
 94. S. Lukes, *A Radical View*; Swartz, "Recasting Power in its third Dimension", pp. 104-105  
 95. Healey, *ibid*, p. 60

ت متریس مراحل انجام تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، برای استفاده در این مقاله

نمونه با این روش امکان دستیابی به اطلاعاتی را فراهم می‌آورد که پژوهشگر را قادر به استنتاج منطقی می‌کند، یعنی نوعی از تعمیم به این صورت که اگر ویژگی‌های مورد آزمون برای این نمونه انتخابی معتبر (یا غیرمعتبر) باشد، برای همه (یا دست کم اغلب) نمونه‌ها هم معتبر (یا نامعتبر) خواهد بود. انتخاب نمونه‌ای با این شرایط از هیچ اصل روش‌شناختی جهان‌شمولی پیروی نمی‌کند و پژوهشگر فقط از راه تجربه می‌تواند نمونه‌ای منطبق بر این ویژگی (یعنی محتمل‌ترین یا غیرمحتمل‌ترین) را بیابد.<sup>۱۴۱</sup> مناسب تشخیص‌دادن استفاده از این روش در پژوهش پایه این مقاله نیز از همین ویژگی برمی‌خیزد: فراهم کردن امکان انتخاب یک ناحیه خرد شهری که به نظر می‌رسد بیشترین فرصت‌های به‌کارگیری رهیافت همکارانه در شهر تهران را دارد، تا بتوان فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری این رهیافت را در دیگر نواحی خرد شهری تهران شناسایی کرد.

**گام دوم.** به‌کارگیری روش انتخاب نمونه انتقادی برای انتخاب واحدهای تحلیل در شناسایی فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران: در پژوهش پایه این مقاله، بررسی اولیه و اطلاعات نویسندگان

پیش از آغاز پژوهش درباره فرصت‌های به‌کارگیری رهیافت همکارانه، امکان انتخاب دو سطح خرد مورد نیاز تحلیل (افزون بر شهر تهران) را با به‌کارگیری روش انتخاب نمونه انتقادی، فراهم کرد: بر پایه این اطلاعات، محله اوین (که در آن کوشش اعضای شورایی محله برای تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری در عرصه برنامه‌ریزی شهری در محله و ارتباط دائم با ساکنان این محله قابل ردیابی بود) و منطقه یک شهر تهران (که دارای سابقه فراهم کردن امکان مشارکت اعضای شورایی در تصمیم‌گیری درباره مشکلات افراد ساکن در این منطقه است<sup>۱۴۲</sup>) به عنوان نمونه‌ای با فرصت‌های بالقوه راه‌اندازی رهیافت همکارانه (چنان‌که در بند ۳.۵.۳. مقاله تشریح شد) انتخاب شد تا بتوان به این استنتاج منطقی دست یافت که با شناسایی موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه در این ناحیه خرد شهر تهران (منطقه یک شهر تهران) و این محله آن (محله اوین) می‌توان نتایج به‌دست‌آمده را به دیگر نواحی خرد شهر تهران و محلات آن (که در آن‌ها نیز چنین موانعی هست) تعمیم داد. بر این پایه، فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران در سطوح

مرحله	دستور کار / وظیفه هر مرحله	گام‌های هر مرحله و دستور کار / وظیفه آن‌ها	روش‌های تحلیل داده‌ها و اطلاعات در هر مرحله
نخست	انتخاب واحدهای تحلیل در شناسایی فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران	<ul style="list-style-type: none"> <li>گام نخست: معرفی روش انتخاب نمونه انتقادی</li> <li>گام دوم: به‌کارگیری روش انتخاب نمونه انتقادی برای انتخاب واحدهای تحلیل در شناسایی فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>روش انتخاب نمونه انتقادی (بند ۵.۲.۰۱)</li> </ul>
دوم	ردیابی ویژگی‌های سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در واحدهای تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران	<ul style="list-style-type: none"> <li>گام نخست: معرفی روش تحلیل کیفی محتوای اسناد</li> <li>گام دوم: معرفی فن تحلیل میدان نیرو</li> <li>گام سوم: به‌کارگیری روش تحلیل کیفی محتوای اسناد و متون و فن تحلیل میدان نیرو*</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>روش تحلیل محتوای کیفی متون و اسناد (بند ۵.۲.۰۲)</li> <li>فن تحلیل میدان نیرو (بند ۵.۲.۰۳)</li> </ul>
سوم	ردیابی و تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران	**	<ul style="list-style-type: none"> <li>تحلیل عناصر اصلی و اصول پایه به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران (بند ۵.۲.۰۳)</li> </ul>
* این گام خود متشکل از فعالیت‌ها و زیرگام‌های فرعی‌تری نیز هست که در این جدول بیان نشده‌اند. ** فقدان گام‌ها			

جغرافیایی- اداری سلسله‌مراتبی (یعنی ابتدا شهر تهران، سپس نواحی خُرد ۲۲گانه و محلات این شهر) تحلیل شده‌اند.

۵.۲.۲. مرحله دوم، ردیابی ویژگی‌های سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در واحدهای تحلیل شناسایی فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران ویژگی‌های سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در واحدهای تحلیل سلسله‌مراتبی در شناسایی فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران در سه گام زیر ردیابی می‌شود:

گام نخست. معرفی روش تحلیل کیفی محتوای اسناد: روش تحلیل کیفی محتوای اسناد بر پایه نیاز به روشی برای استخراج اطلاعات عینی و ذهنی درباره سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در شهر تهران در این مقاله استفاده می‌شود. تحلیل کیفی محتوای اسناد روشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر<sup>۱۴۳</sup> از داده‌ها (به معنی استنباطی که پژوهشگران دیگر نیز از آن نتایج مشابهی بگیرند) برای استخراج محتوای آشکار و معنای صریح<sup>۱۴۴</sup> پیام‌ها (به معنی آنچه به طور مستقیم مشاهده یا درک می‌شود) و نیز معنای ضمنی و تفسیرهای مستخرج از پیام‌ها است<sup>۱۴۵</sup> تا بتوان به دو دسته پرسش پاسخ گفت: نخست اینکه چه عواملی پیام‌های مورد تحلیل را هدایت می‌کنند

(شناسایی علت‌ها و پیشینه‌ها) و دوم اینکه این پیام‌ها چه پیامدهایی می‌توانند داشته باشند<sup>۱۴۶</sup>.

گام دوم. معرفی فن تحلیل میدان نیرو: شناسایی فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران نیاز به معرفی و به کارگیری روش تحلیلی دارد که با پیمودن مراحل آن بتوان عوامل مثبت و منفی اثرگذار بر به کارگیری این رهیافت را در شهر تهران شناسایی کرد. فونونی چون تحلیل مانع<sup>۱۴۷</sup>، تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها (سوات)<sup>۱۴۸</sup> و تحلیل میدان نیرو روش‌هایی هستند که وضعیت موجود یک سیستم را در مقابل یک وضعیت مطلوب تحلیل می‌کنند (ت ۷).

در این مقاله فن تحلیل میان نیرو از یک سو، به علت مناسب تشخیص دادن آن با هدف تحلیل در این پژوهش (که شناسایی فرصت‌ها و موانع به کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه است) و از سوی دیگر، با توجه به امکان‌پذیر بودن شیوه انجام آن انتخاب شد، زیرا در فن تحلیل میدان نیرو ایجاد درک روشن و صریح از نیروهای اثرگذار در هر موقعیت مورد نظر است. روش کار در این فن تصویری، بر پایه این اندیشه زیر کار قرار دارد که هر موقعیت یا وضعیت ناشی از تعادل پویا و در حال تغییر میان دو دسته نیرو (در زمینه‌هایی چون تصمیم‌های افراد، عادت‌ها، نگرش‌ها، ساختارها، و نهادها) است که در جهت مخالف یکدیگر عمل می‌کنند: نخست،

فنون	بیانی کلی از دستورکار هر فن
تحلیل مانع	به سنجش دلایل انجام‌دادن یا ندادن یک رفتار را در میان جمعیت هدف تحلیل می‌پردازد.*
سوات	به شناسایی نکات کلیدی در سیستم مورد برنامه‌ریزی و محیط آن در دو دسته عوامل درونی و عوامل بیرونی به‌عنوان پایه‌ای برای تحلیل می‌پردازد.**
تحلیل میدان نیرو	فرصت‌ها به عنوان نیروهای پیش‌برنده و موانع به عنوان نیروهای بازدارنده در روی‌دادن یک تغییر مورد نظر را ردیابی می‌کند.***
	* Jr. Davis & P.Thomas, "Barrier Analysis Facilitator's Guide:...", pp. 8-10. ** حقیقو و زندیه و ابراهیم نیا، «چارچوب به کارگیری فن SWOT در برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر تفکر راهبردی» ص ۸۴-۸۵. *** J. Thomas, "Force Fiel...", p. 54.

96. local knowledge  
97. Stakeholding

۹۸. گوناگونی (diversity) به معنی وضعیت یا کیفیت تفاوت داشتن، ناهمسانی، و تنوع در شکل‌ها، اندیشه‌ها، و گونه‌ها و متضمن درک یکنایی هر فرد و تشخیص تفاوت‌های فردی ناشی از نژاد، جنسیت، وضعیت اجتماعی- اقتصادی، توانایی‌های جسمی، باورهای مذهبی، عقاید سیاسی، و مانند آن است.

۹۹. استدلال (reasoning) یعنی فرایند تفکر منطقی درباره یک چیز برای رسیدن به نتیجه، تصمیم، و یا داوری.  
۱۰۰. قضیه ثابت‌شده (premise) به معنای بیانیه یا اندیشه‌ای است که درستی آن قابل‌پذیرش است و مبنایی برای بحث و نتیجه‌گیری درمورد گزاره‌ها و قضایای بعدی می‌شود.

101. Healey, ibid, p. 264

102. J. Forster, *Planning in the Face of Power*, pp. 148-149

103. Selin and Chavez, ibid, p.191

104. Healey. Ibid, p. 70

105. frames of reference

۱۰۶. دنیای چندفرهنگی (multi-cultural world) جامعه‌ای متشکل از افراد و گروه‌ها با ویژگی‌های قومیتی و نژادی، باورهای مذهبی و ایدئولوژیک، و توانایی‌های <

ت ۷. ماتریس معرفی برخی از فنون تحلیل وضعیت موجود یک سیستم در مقابل وضعیت مطلوب آن، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴.

→ ذهنی و جسمی گوناگون و متفاوت از یکدیگر است که منافع متفاوتی دارند و راه‌های متفاوتی برای دیدن، دانستن، و عمل دارند (Healey, ibid, p. 60).

107. Healey, ibid, p. 60.

108. inter-subjective processes

109. S. Seal, *Researching Society and Culture*, p. 574.

110. Healey, ibid, pp. 277-278.

111. M.S. Reed, et al, "What is Social Learning", pp. 4-5.

112. Innes, et al, ibid, pp. 49-54.

۱۱۳. عینی (objective): آنچه که خنثی (رها از ارزش) و بر پایه شواهد و واقعیات باشد (و نه نگرش‌ها، باورها، و عقاید) عینی گویند.

114. Healey, ibid, pp. 244-245

115. Selin and Chavez, ibid, p. 190; Healey, ibid, pp.

268-269.

۱۱۶. نک:

Healey, "Collaborative Planning; Shaping Places in Fragmented Societies"; USACE, *Collaborative*

←

ت ۸. ماتریس مراحل به‌کارگیری فن تحلیل میدان نیرو، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، برپایه J. Holland, *Tools for Institutional, Political, and Social Analysis of Policy Reform*, p. 169

فرصت‌ها که موجب پیش‌برد تغییر در وضعیت یا موقعیت موجود می‌شوند و دوم، موانع که برای حفظ وضعیت یا موقعیت موجود عمل می‌کنند.<sup>۱۴۹</sup> بر پایه اندیشه زیرکار در این فن، هرگاه فرصت‌ها (نیروهای پیش‌برنده) قوی‌تر از موانع (نیروهای بازدارنده) باشند، حرکت از وضعیت یا موقعیت موجود به سمت وضعیت یا موقعیت مطلوب در آینده (به معنی روی‌دادن تغییر مورد نظر) آغاز می‌شود و به پیش می‌رود. «ت ۸» مراحل به‌کارگیری این فن را برای انجام دو عمل تحلیل و تجویز در ایجاد یک تغییر موردنظر (یا دستیابی به یک هدف کلان) نشان می‌دهد.<sup>۱۵۰</sup>

گام سوم. به‌کارگیری روش تحلیل کیفی محتوای اسناد و متون و فن تحلیل میدان نیرو: در این مقاله برای تأمین نیا‌های اطلاعاتی برای به‌کارگیری فن تحلیل میدان نیرو، از روش تحلیل کیفی اسناد استفاده شد. به دلیل استفاده هم‌زمان این دو روش و مکمل یکدیگر بودنشان، به‌کارگیری آن‌ها در یک گام معرفی می‌شود. به بیان دیگر دو فعالیت اصلی این گام که در زیر معرفی شده‌اند، نه متوالی، بلکه هم‌زمان با یکدیگر انجام می‌شوند:

الف. فعالیت نخست، فراهم‌کردن دانش مورد نیاز برای پی‌موندن مراحل سه‌گانه فن تحلیل میدان نیرو با به‌کارگیری روش تحلیل کیفی محتوای متون: ترسیم وضعیت موجود و مطلوب ویژگی‌های سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سطوح

جغرافیایی- اداری مورد تحلیل در این مقاله در گام‌های نخست و دوم فن تحلیل میدان نیرو (که در فعالیت بعدی در همین بند معرفی می‌شوند) با استفاده از دانش منتج از به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی در دو دسته منابع اطلاعاتی انجام شد: - منابع اطلاعاتی مستقل از پژوهش پایه این مقاله: اسناد اصلی برنامه‌ریزی شهری که در این مقاله منبع ردیابی تصمیم‌ها و سیاست‌های سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سطوح تحلیل سه‌گانه این مقاله بودند و بررسی شدند، اسنادی با این عنوان‌ها هستند: الف) در بالاترین سطح تحلیل، یعنی شهر تهران، طرح جامع (راهبردی- ساختاری) شهر تهران (۱۳۸۶) و اسناد پشتیبان آن، ب) در سطح میانی تحلیل یعنی منطقه یک شهر تهران، اسناد پشتیبان طرح تفصیلی منطقه یک شهر تهران شامل سند «بررسی مسائل توسعه شهری منطقه یک شهر تهران» (۱۳۸۲) و سند «الگوی توسعه منطقه یک شهر تهران» (۱۳۸۴)، و پ) پایین‌ترین سطح تحلیل یعنی در محله اوین، سند توسعه محله اوین (این سند، که در سال ۱۳۸۸ تهیه شد، اقدامات اجرایی شهرداری منطقه یک شهر تهران در محله اوین را بر اساس خواسته‌ها و نیازهای افراد ساکن در این محله را همانند توافقنامه‌ای بین انجمن شورایاری محله اوین و شهرداری منطقه یک شهر تهران مشخص کرده است. این سند بر اساس اعلام مشکلات محله از سوی انجمن شورایاری

نوع مرحله	عنوان مرحله	دستورکار هر مرحله
مراحل تحلیلی	نخست	توصیف وضعیت: یعنی بررسی ویژگی‌های سیستم مورد مطالعه و محیط آن.
	دوم	تعیین وضعیت مطلوب: یعنی وضعیتی که در سیستم مورد مطالعه تغییر مورد نظر ایجاد شود.
	سوم	فهرست کردن فرصت‌ها یعنی نیروهای پیش‌برنده و موانع یعنی نیروهای بازدارنده تغییر وضعیت به وضعیت مطلوب (یعنی روی دادن تغییر مورد نظر).
مراحل تجویزی (در دستور کار مقاله نیستند).	پنجم	تخصیص امتیاز هر یک از فرصت‌ها و موانع با به‌کارگیری مقیاس عددی.
	ششم	محاسبه امکان‌پذیری یا امکان‌ناپذیری روی‌دادن تغییر مورد نظر با شمارش امتیازها در هر یک از دو دسته نیرو.
	هفتم	تدبیر راه‌های تقویت فرصت‌ها و یا تضعیف موانع به طوری که امکان روی‌دادن تغییر مورد نظر فراهم شود.

→ *Planning Toolkit, Institute for Water Resource; Selin and Chavez, "Developing a Collaborative Model for environmental Planning and Management"; Innes and Booher, "Consensus Building as Role Playing and Bricolage"; Booher and Innes, "The Impact of Collaborative Planning on Governance Capacity, Institute of Urban & Regional Development".*

۱۱۷. طراحی نهادی به معنی تعیین راه‌های عمل میان‌کنش افراد و گروه‌ها و شامل دو بُعد سازمانی (چون تعیین موضوعاتی که در مورد آن‌ها میان‌کنش روی‌دهد، نقش عوامل تصمیم‌گیری گوناگون، وظایف و مسئولیت‌ها، و قواعد فرآیندی) و هنجارها و کاربست‌های رایج در میان‌کنش (چون زبان بیان موضوعات، قواعد رسیدن به توافق، و مدیریت کشمکش‌ها بر سر ارزش‌ها) است (Y. Rydin & M. Pennington, "Public Participation and Local Environmental Planning: the Collective Action Problem and the Potential of Social Capital", p. 163).

ت ۹. ماتریس پرسش‌ها برحسب پرسش‌شونده‌ها در پرسش‌نامه و یا مصاحبه نیمه‌ساختاریافته پژوهش پایه مقاله، سال ۱۳۸۸، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، بر پایه پژوهش پایه این مقاله (۱۳۸۸)

هم‌محل‌ه‌ای‌ها، همکاری با عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بخش‌های عمومی و دولتی (در پرسش از افراد ساکن)، امکان و سابقه و دلایل نیاز یا عدم نیاز به مشارکت ساکنان و دیگر عوامل تصمیم‌گیری در تصمیم‌گیری در موارد گوناگون (در پرسش از عوامل تصمیم‌گیری بخش عمومی)، و دلایل تصمیم به عضویت در انجمن شورایی محله و مشکلات مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عوامل تصمیم‌گیری بخش‌های دولتی و عمومی و ارتباط با ساکنان و پیشنهادها برای گشودن آن‌ها (در پرسش از اعضای شورایی) تدوین شدند. در پرسش‌نامه‌ها هر پرسش همراه با پاسخ‌های پیشنهادی بود و از پرسش‌شوندگان خواسته شد در زمینه پاسخ پیشنهادی (یا سایر پاسخ‌هایی که در زمینه‌های پیشنهادی گنجانده نشده بود) دلایل خود را نیز تشریح کنند. برای اطمینان از کفایت نمونه‌گیری در این روش، گردآوری داده‌ها تا رسیدن به مرز اشباع<sup>۱۵۲</sup> ادامه یافت و نتایج حاصل از پرسش‌ها و مصاحبه‌ها برای ردیابی معیارهای تحلیل پیشنهادی این مقاله (نک: بند ۲،۲،۵) به کار گرفته شدند.

**ب. فعالیت دوم، پیمودن مراحل سه‌گانه فن تحلیل میدان نیرو برای شناسایی فرصت‌ها و موانع در به‌کارگیری رهیافت همکارانه**

محلّه اوین و بازدید شهردار منطقه یک شهر تهران و مدیران شهرداری این منطقه تنظیم شده است).

– منابع اطلاعاتی تولیدشده برای پاسخ به نیازهای اطلاعاتی پژوهش پایه این مقاله: در این مقاله پرسش‌نامه و مصاحبه ابزارهایی هستند که از طریق آن‌ها اطلاعات مورد نیاز در ردیابی معیارهای شناسایی فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه به منظور سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران (در بند ۲،۲،۵ معرفی می‌شوند) به دست آمده‌اند تا بتوان میزان آگاهی، نگرش‌ها، تجارب عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سطوح تحلیل مورد نظر در پژوهش پایه این مقاله را ارزیابی کرد. پرسش‌نامه و دو گونه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته<sup>۱۵۱</sup> در سال ۱۳۸۸ به این شرح طراحی شد: پرسش‌نامه برای پرسش از افراد ساکن در محلّه اوین در منطقه یک شهر تهران، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برای پرسش از عوامل تصمیم‌گیری بخش عمومی و برنامه‌ریزی شهری در منطقه یک شهر تهران و اعضای انجمن‌های شورایی محلّه اوین. زمینه‌های اصلی پرسش‌ها در این پرسش‌نامه و مصاحبه‌ها در هریک از سطوح تحلیل (چنان که «ت ۹» نشان می‌دهد) شامل چگونگی همکاری با همسایگان و

پرسش‌شونده‌ها	پرسش‌ها: بیان امکان، سابقه و دلایل همکاری در فرایندهای تصمیم‌گیری*
افراد ساکن در منطقه یک شهر تهران	<ul style="list-style-type: none"> <li>• همکاری با همسایگان و هم‌محل‌ه‌ای‌ها: پیشینه همکاری با همسایگان و هم‌محل‌ه‌ای‌ها</li> <li>• همکاری با عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بخش عمومی و دولتی:               <ul style="list-style-type: none"> <li>– آگاهی‌یافتن از فعالیت‌های عوامل تصمیم‌گیری</li> <li>– بیان نظر و سهم‌شدن در بحث‌ها/ بیان نکردن نظر و سهم‌شدن در بحث‌ها (در فعالیت‌های انجمن شورایی محله)</li> <li>– اعتراض به تصمیم‌های عوامل تصمیم‌گیری در محله</li> </ul> </li> </ul>
عوامل تصمیم‌گیری بخش عمومی در منطقه یک شهر تهران	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مشارکت ساکنان و دیگر عوامل تصمیم‌گیری در تصمیم‌گیری در موارد گوناگون که این اداره در مورد آن مسئولیت دارد</li> </ul>
اعضای انجمن شورایی محله اوین	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تصمیم به عضویت در انجمن شورایی محله</li> <li>• مشکلات مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عوامل تصمیم‌گیری بخش‌های دولتی و عمومی و ارتباط با ساکنان و پیشنهادها برای حل آن‌ها</li> </ul>
* پاسخ‌های پیشنهادی و زمینه‌های خرد پرسش‌ها به دلیل حجم زیاد مقاله از این جدول حذف شدند.	



برای پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران: زیرگام، نخست) توصیف وضعیت، دوم) تعیین وضعیت مطلوب (با تعیین معیارهایی که نشان از امکان به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران) دارند، و سوم) تعیین فرصت‌ها و موانع در به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در

عناصر اصلی و اصول پایه به‌کارگیری رهیافت همکارانه	تشریح معیار
سازوکارهای پشتیبان در بخش عمومی **	حقوق مشارکت برای کل جامعه (متشکل از جامعه مدنی، بخش عمومی و بخش خصوصی و جزآن): اظهارنظر و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری در تهران دسترسی به اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری در تهران (برای همه ذی‌نفعان) درخواست دلایل موجه درمورد سیاست‌ها و اعتراض به آن‌ها (برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه)
	به انجام رسیدن وظایف عوامل تصمیم‌گیری در بخش عمومی
	ابعاد روند کاری
ابعاد روند کاری	منابع مالی مورد نیاز برای: اعتراض به تصمیم‌ها و سیاست‌ها، دسترسی به اطلاعات، برگزاری جلسه‌های گفت‌وگو و مباحثه میان ذی‌نفعان در هر موضوع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری
	وجود منابع مالی مورد نیاز
	ارتباط میان سطوح سیاست‌گذاری
سازوکارهای مورد نیاز در سیستم برنامه‌ریزی شهری **	سازوکار اداری - سازمانی مورد نیاز: کارکرد اداری: برای هماهنگی جلسه‌های مختلف میان ذی‌نفعان و فراهم کردن نیازمندی‌های آنان برای پیشبرد جلسه‌ها کارکرد فنی: برطرف کردن نیازهای اطلاعاتی درباره سیستم‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و چارچوب‌های قانونی مهارت‌ها و وظایف برنامه‌ریزان شهری برای عمل در موقعیت تسهیلگر* در فرایندهای ایجاد هم‌رأیی
	ابعاد روند کاری
	وجود چارچوب پایه برای همکاری
	مکان استقرار سازوکارهای همکارانه
	بُردباری برای سپری شدن زمان مورد نیاز برای ایجاد هم‌رأیی در سازوکارهای همکارانه
	نحوه مطرح شدن موضوعات در سازوکارهای همکارانه: استفاده از نحوه بیانی فارغ از اصطلاحات پیچیده تخصصی که امکان درک موضوعات و مطالب برای تمام مشارکت‌کنندگان فراهم شود، امکان بیان نظرها، مشکلات و خواسته‌ها برای همه شرکت‌کنندگان، عدم امکان چیرگی افراد و گروه‌های دارای جایگاه‌های اقتصادی و سیاسی بالا بر مسیر و محتوای بحث‌ها.
	ابعاد محتوایی
وجود همکاری در حین پیمودن فرایند برنامه‌ریزی	
تعیین مشکلات در فرایند راهبردی و با توافق ذی‌نفعان گردآوری داده‌ها در فرایندی مشترک میان مردم، نهادهای عمومی، دولتی، و غیردولتی، گفت‌وگو میان ذی‌نفعان درباره مشکلات هر یک و در نظر گرفتن پیامدهای برنامه بر آن مشکلات و نیز بر منافع آن‌ها	
* تسهیلگری (facilitation) به معنای هدایت یا رهبری مباحثه (بدون بدون اعمال اقتدار بر تصمیم‌گیری) میان یک گروه، است. در برنامه‌ریزی مبتنی بر رهیافت همکارانه نقش تسهیل‌گر (facilitator) مدیریت جلسه‌های میان ذی‌نفعان به‌گونه‌ای امکان ارائه نظرها و شنیده شدن توسط سایرین برای گروه‌های مختلف به‌طور مساوی وجود داشته‌باشد و کمک به ایجاد هم‌رأیی میان دیدگاه‌های متفاوت آنها است.	



118. Healey, *ibid*, p. 275

119. Selin and Chavez, *ibid*, p. 192.

۱۲۰. دیدگاه «غیرخطی» (non-linear) به سیستم‌های انسانی-محیطی در مقابل دیدگاه «خطی» (linear) است. دیدگاه خطی بر پایه قوانین علم فیزیک سده ۱۹ به روشی کاهشی‌گر و مبتنی بر سببیت جبری (deterministic causality) با این سیستم‌ها روبه‌رو می‌شود و با فرض بودن دانش و اطلاعات کامل در مورد آن‌ها، سیستم‌های انسانی-محیطی را دارای روابط خطی یا شبه خطی می‌داند. درحالی که در دیدگاه غیر خطی محدودیت در دانش و اطلاعات درباره این سیستم‌ها و در عین حال پیچیدگی و عدم قطعیت ذاتی آن‌ها پذیرفته می‌شود که نشان از چیرگی روابط غیرخطی در میان عناصر چنین سیستم‌هایی دارد (Briassoulis, "Complex Environmental Problems and the Quest for Policy Integration", p. 3).

۱۲۱. قاعده‌سازی (rule-making) گونه‌ای از ابزارهای اجرای سیاست‌های بخش عمومی و به معنی تعیین مقرراتی از سوی دولت است که گروه‌های هدف این مقررات باید رفتار خود را با آن‌ها تطبیق دهند و دولت با استفاده از اقتدار خود برای سرپیچی از این مقررات تاوان یا جریمه‌ای در نظر می‌گیرد. استانداردها، مجوزها، و ممنوعیت‌ها انواع متفاوت قاعده‌سازی هستند (M. Howlet & M. Ramesh, & A. Perl, *Studying Public Policy*, (p. 119).

یکپارچه در شهر تهران: چنان که در تشریح چارچوب اختیارشده برای به‌کارگیری رهیافت همکاریانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران بیان شد (در بند ۳ این مقاله)، پایه‌گذاری رهیافت همکاریانه در سیاست‌گذاری زمین‌های را برای آگاهی عوامل سیاست‌گذاری از بین-وابستگی میان منافع آن‌ها و امکان یافتن منافع مشترک ایجاد می‌کند که می‌تواند آن‌ها را قادر کند که پیامدهای تصمیم‌ها خود بر دیگر تصمیم‌ها را در دیگر بخش‌های سیاست‌گذاری در نظر گیرند. بر پایه مطالعات انجام‌شده در چارچوب نظری این مقاله (به‌ویژه بند ۲، ۴، ۴، ۲ که عناصر روند کاری و محتوایی به‌کارگیری رهیافت همکاریانه در برنامه‌ریزی شهری را معرفی می‌کند) معیارهای پیشنهادی این مقاله که نشان‌دهنده وضعیت مطلوب (یعنی وضعیتی که بتوان سازوکاری از برنامه‌ریزی شهری را در شهر تهران راه‌اندازی کرد و رهیافت همکاریانه بتواند در آن جای گیرد و در ضمن، قابل‌به‌کارگیری نیز باشد) هستند، تولید و در «ت ۱۰» معرفی شده است.

- زیرگام سوم، معرفی نتایج ردیابی فرصت‌ها و موانع در به‌کارگیری رهیافت همکاریانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران: در این زیرگام ویژگی‌های سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در شهر تهران- که با روش تحلیل محتوای کیفی نتایج پرسش‌نامه و مصاحبه در پژوهش پایه این مقاله و نیز تحلیل محتوای کیفی برنامه‌های شهری و اسناد سیاست‌گذاری شناسایی شد (نک: فعالیت نخست گام سوم در همین بند) - بر حسب اینکه در مسیر به‌کارگیری رهیافت همکاریانه در سیستم سیاست‌گذاری شهر تهران پیش‌برنده و یا بازدارنده است- در چارچوب معیارهای پیشنهادی این مقاله (در زیرگام دوم، یعنی «توصیف وضعیت مطلوب» که به معرفی عناصر اصلی و اصول پایه به‌کارگیری رهیافت همکاریانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران می‌پردازد) به‌ترتیب در دو دسته به عنوان فرصت‌ها و موانع قرار گرفتند. نتایج این تحلیل در «ت ۱۱» به نمایش درآمده است.

شهر تهران، پیموده شده و در هر گام دانش مورد نیاز با انجام فعالیت نخست همین گام (یعنی به‌کارگیری روش تحلیل کیفی محتوای اسناد و متون) فراهم شده است. پیمودن سه مرحله دیگر این فن (چنان که در «ت ۵» معرفی شد) که به عمل تجویز می‌پردازند، نیازمند داوری خبرگانی است که از یک سو، در مورد موضوع پژوهش در این مقاله آگاهی لازم را داشته باشند، و از سوی دیگر، از نتایج داوری خود آگاه باشند.

- زیرگام نخست، توصیف وضعیت ترسیم وضعیت چندگانگی عوامل تصمیم‌گیری مؤثر بر سیستم برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران: تحلیل کیفی محتوای دانش مورد نیاز برای توصیف وضعیت موجود سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این گام را برای نویسندگان مقاله فراهم کرد. در شهر تهران و نواحی خُرد آن عوامل تصمیم‌گیری متعدد بخش عمومی، خصوصی، و داوطلبانه، هریک بر اساس شرح وظایف و اختیارات خود و با در نظر گرفتن منافع فردی، گروهی، و سازمانی خود، به طور جداگانه به تدوین اسناد سیاستی، اجرای آن‌ها، نظارت بر اجرای اسناد سیاستی، پژوهش و آگاهی‌رسانی در مورد موضوعات مختلف می‌کنند<sup>۱۵۳</sup>. این در حالی است که سازوکار مؤثری برای ارتباط و هماهنگی میان این گروه‌ها (یعنی سازوکاری الزام‌آور برای هماهنگی و همکاری عوامل تصمیم‌گیری در تصمیم‌گیری‌هایی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر تصمیم‌ها و سیاست‌های دیگر عوامل تصمیم‌گیری اثرگذار هستند) وجود ندارد که با مشکلات و کاستی‌هایی چون ناسازگاری میان تصمیم‌هایی که از سوی نهادهای مختلف گرفته می‌شود، نادیده گرفته شدن منافع عمومی در مقابل منافع سازمانی بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری، و تعهد نداشتن به تصمیم‌های عوامل تصمیم‌گیری از سوی نهادهایی که اهداف و منافع خود را ناسازگار و یا حتی رقیب یکدیگر می‌دانند، رویاروی گردد.

- زیرگام دوم، توصیف وضعیت مطلوب- معرفی عناصر اصلی و اصول پایه به‌کارگیری رهیافت همکاریانه برای سیاست‌گذاری

ت ۱۱ (این صفحه و صفحه روبه‌رو). نمودار ردیابی فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، برای استفاده در این مقاله بر پایه نتایج به‌کارگیری روش تحلیل کیفی محتوای متون در پژوهش پایه این مقاله (۱۳۸۸).



برنامه‌ریزی مبتنی بر رهیافت همکارانه در شهر تهران به نبود یا اجرا نشدن چارچوب‌ها و ابزارهای قانونی و حقوقی لازم بستگی دارد. شرط مقابله با این مانع این است که نخست راه‌اندازی فعالیت راهبردهای با مشارکت همه ذی‌نفعان برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سطح شهر تهران، نواحی خرد، و محلات این شهر بتواند الزامی شود و نیز بتواند از جایگاه حقوقی ساختارهای سازمانی موجود (به‌ویژه انجمن‌های شورایی محلات و شورای شهر تهران) در برابر تصمیم‌های فردی عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، با توان اعمال قدرت فردی و سازمانی خود بر فرایندهای تصمیم‌گیری (در سه سطح تحلیل در این مقاله)، پشتیبانی کند، دوم آنکه بتواند سازوکاری برای امکان اعتراض ذی‌نفعان به تصمیم‌ها و

## ۵. ۲. ۳. مرحله سوم، تحلیل فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران

نخست. موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران: موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران در این مقاله بر پایه نتایج حاصل از سنجش عناصر اصلی و اصول پایه به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران (نشان‌داده‌شده در «تولید شدند و می‌توان آن‌ها را در زیر چنین تشریح کرد: الف. ساختار تصمیم‌گیری و سازمانی لازم برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در شهر تهران: در این بُعد، مانع به‌کارگیری

122. Briassoulis, ibid, p. 8-9.  
123. Healey, ibid, p. 60.  
124. Booher & Innes, «The Impact of Collaborative Planning on Governance Capacity, Institute of Urban & Regional Development», pp. 17-19; Innes, et al, «Coordinating Growth and Environmental Management through Consensus Building», pp. 47-53.

۱۲۵. نک:

Shannon & Schmidt, "Theoretical Approaches to Understanding Intersectoral Policy Integration"; Briassoulis, "Policy Integration for Complex Policy Problems: What, Why and How".

۱۲۶. انگاشت الگوواره (پارادایم paradigm) در علوم اجتماعی اشاره دارد به چارچوب‌هایی دربرگیرنده از اندیشه‌های اثرگذار بر عمل، درباره اینکه جهان چگونه کار می‌کند (Howlet, et al, ibid, p. 52).

ادامه ت ۱۱. نمودار ردیابی فرصت‌ها و موانع به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران، مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۴، برای استفاده در این مقاله بر پایه بر پایه نتایج به‌کارگیری روش تحلیل کیفی محتوای متون در پژوهش پایه این مقاله (۱۳۸۸).

\* در سیستم برنامه‌ریزی شهری در شهر تهران  
\*\* در سیستم برنامه‌ریزی شهری در نواحی خرد شهری تهران  
\*\*\* در تصمیم‌گیری در محلات نواحی خرد شهری تهران  
× شامل نهادهایی که در اجرای برنامه‌های شهری در شهر تهران نقش دارند، نهادهای دارای مسئولیت تأمین زیرساخت‌ها، تسهیلات عمومی، امنیت شهری و مانند آن، سازمان‌های غیردولتی (مردم نهاد) که زمینه فعالیت آنها مرتبط با زمینه سیاست‌گذاری موردنظر است و ساکنان شهر تهران  
×× به دلیل این که رهیافت همکارانه (چنان که معیارهای پیشنهادی این مقاله معرفی می‌کنند) در ساختار تصمیم‌گیری مورد بررسی این مقاله به‌کارگرفته نشده، امکان تحلیل فرصت‌ها و موانع در حین پی‌موندن فرایند برنامه‌ریزی مبتنی بر رهیافت همکارانه وجود ندارد.  
♦ نهاد تهیه طرح جامع و تفصیلی شهر تهران اعلام کرد که [تنها] برنامه‌های نهادهایی که برنامه مشخصی داشته‌اند را در برنامه‌های موضعی و برنامه جامع گنجانده است (نک به: گزارش‌های تفصیلی کارگاه‌های نقد محتوای طرح جامع تهران). ♦♦ با وجود اینکه نماینده شورای شهر تهران عضو شورای راهبری برنامه جامع (مرجع سیاست‌گذار و ناظر بر فعالیت‌های نهاد مشترک تهیه طرح جامع و تفصیلی شهر تهران) بود، اما به علت نبود اطلاع‌رسانی در مورد جلسات و مصوبات این شورا، و نیز مطرح شدن این که این شورا پس از چند جلسه ابتدایی از هم پاشیده شده بوده است (نک: گزارش‌های تفصیلی کارگاه‌های نقد محتوای طرح جامع تهران) نگارندگان اطلاع دقیقی در مورد نحوه دخالت شورای اسلامی شهر تهران در فرایند تهیه برنامه جامع تهران در چارچوب فعالیت‌های نهاد مشترک تهیه طرح جامع و تفصیلی شهر تهران به دست نیاوردند. • پرسش‌نامه‌ای محدود به ۱۵ انجمن صنفی فعال در زمینه تجارت و صنعت، • پرسش‌نامه از ۲۲۰۰ نفر از ساکنان این شهر در خصوص مشکلات و اولویت‌بندی آن‌ها در شهر تهران، راه‌حل‌های این مشکلات، چگونگی تأمین هزینه شهرداری شهر تهران، مسئولیت نهادهای مدیریت شهری تهران، مقایسه آن با سایر شهرهای کشور، تغییرهای تهران در یک دهه منتهی به سال ۱۳۸۴، و موقعیت جهانی آن پرسش کرده است. • پس از تهیه و تصویب برنامه جامع تهران و ابلاغ آن از سوی شهردار تهران به شهرداری‌های مناطق تهران، معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی شهردار تهران از برگزاری جلسه‌هایی با حضور شوراییان مناطق شهر تهران برای اطلاع آنها از این برنامه خبر داد. • گرچه این نهاد در فعالیت‌ها و اقداماتش در طول ارجاع کار و تهیه برنامه جامع شهر تهران ارتباطی آن حتی با شهرداری تهران نیز سست بود (گزارش‌های تفصیلی کارگاه‌های نقد محتوای طرح جامع تهران، ۱۳۸۵). □ چنین جلسه‌هایی گاهی فقط یک بار در سال تشکیل می‌شد (نتایج پرسش‌نامه و مصاحبه در پژوهش پایه این مقاله، ۱۳۸۸).

۱۲۲. نک:

Underdal, "Integrated Marine Policy—What? Why? How?":

۱۲۸. نک:

S. Hovik & K.B. Stokke, "Network Government and Policy Integration- the Case of Regional Coastal Zone Planning in Norway".  
129. soft institutional infrastructures  
130. hard institutional infrastructure

۱۳۱. نک:

Innes, et al, "Coordinating Growth and Environmental Management through Consensus Building".  
132. Innes, et al, *ibid*, p. 47.  
133. Innes, et al, *ibid*, pp. 47-49.  
134. B. Marr & G. Schiuma & A. Neely, "Intellectual Capital—Defining Key Performance Indicators for Organizational Knowledge Assets", pp. 552-553.  
135. Hajer & Wagenaar, 2003: 11  
136. Innes et al, "Coordinating Growth and Environmental Management through Consensus Building", p. 50  
137. Innes, et al, *ibid*.

سیاست‌ها در سه سطح پیش‌گفته تدارک ببند که در آن عوامل تصمیم‌گیری بخش عمومی در برابر همه ذی‌نفعان و نیز کل جامعه پاسخ‌گو باشند، سوم آنکه بتواند مشوق ذی‌نفعان برای مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این سه سطح جغرافیایی- اداری باشد، و چهارم آنکه بتواند تأمین منابع مالی موردنیاز راه‌اندازی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مبتنی بر رهیافت همکارانه را تضمین کند.

ب. چارچوب‌های پایه برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در شهر تهران: در این بُعد، نویسندگان این مقاله نبود کارکردهای اداری مناسب این رهیافت، نبود کارکرد تسهیلگر، ضعف و نبود سازوکارهای تبادل اطلاعات میان عوامل تصمیم‌گیری و ذی‌نفعان، و نبود بُرداری در برابر زمان مورد نیاز برای دستیابی به هم‌رأیی در فرایندهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مبتنی بر رهیافت همکارانه را موانع مهم به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران تشخیص داده‌اند. هریک از این موانع به شرح زیر معرفی می‌شوند:

**– نبود کارکرد اداری مناسب این رهیافت:** در سیستم برنامه‌ریزی شهری تهران نبود کارکرد اداری که بتواند وظایف تماس با ذی‌نفعان و هماهنگی جلسه‌های مختلف، تعیین و تجهیز مکان جلسه‌های متشکل از ذی‌نفعان و تنظیم زمان جلسه‌ها، فراهم کردن اطلاعات موردنیاز برای جلسه‌ها، پیگیری و فراهم کردن سایر نیازمندی‌های ذی‌نفعان برای پیش‌برد جلسه‌ها، ثبت و نگهداری صورت‌جلسه‌ها، و بیانیه‌های رسمی و توافق‌ها و اطلاعات (به صورت سازمان‌دهی‌شده و قابل‌دسترس برای ذی‌نفعان) مانعی در مسیر به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران است.

**– نبود کارکرد تسهیلگر<sup>۱۵۴</sup>:** در اینجا تسهیلگری به این معنا است که مدیریت جلسه‌های گوناگون میان ذی‌نفعان، عرضه اطلاعات به شرکت‌کنندگان در مباحثه‌ها، به‌گونه‌ای باشد که

آن‌ها بتوانند محتوای این اطلاعات را درک کنند، از این فراهم بودن امکان بیان و شنیده شدن نظرها توسط سایرین برای گروه‌های مختلف به طور مساوی اطمینان حاصل شود و امکان گوش فرادادن به نظرها و روایت‌های مشارکت‌کنندگان و کمک به ایجاد توافق میان دیدگاه‌های متفاوت آن‌ها باشد. نبود افراد آموزش‌دیده و متخصص دارای توان انجام این وظایف، مانعی برای راه‌اندازی فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مبتنی بر رهیافت همکارانه در سیستم برنامه‌ریزی شهری تهران است.

**– ضعف و نبود سازوکارهای دائمی و منظم تبادل اطلاعات میان ذی‌نفعان:** فقدان تدبیر برای راه‌اندازی سازوکارهای تبادل اطلاعات میان ذی‌نفعان در شهر تهران، نواحی خرد، و محلات این شهر به صورتی که در آن‌ها روش‌های مناسب عرضه اطلاعات، با توجه به مخاطبان هدف اطلاعات، استفاده شود، که با کمک آن ذی‌نفعان از زمان و مکان جلسات، گردهم‌آیی‌ها، و سایر سازوکارهای همکاری اطلاع‌یابند و اطلاعات در مورد اهداف، دستور کار، و سازوکارهای تفصیلی مشارکت و نیز در مورد موانع (یا بازدارنده‌های) احتمالی در دستیابی به اهداف به آن‌ها داده شود، مانع دیگر در این مسیر است.

**– نبود بُرداری در برابر زمان مورد نیاز برای دستیابی به هم‌رأیی در فرایندهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مبتنی بر رهیافت همکارانه:** در میان عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سیستم برنامه‌ریزی شهر تهران، بنا به رفتار رایج در سپردن تهیه برنامه‌های شهری به شرکت‌های خصوصی مشاور برنامه‌ریزی، بُرداری لازم برای سپری‌شدن مدت زمان موردنیاز برای بازبینی اطلاعات در جلسه‌ها و نیز زمان لازم برای دست یافتن به اعتماد میان مشارکت‌کنندگان (که با توجه به تجربه آن‌ها در مورد کار با یکدیگر، میزان اعتماد آن‌ها به اطلاعات رایج، و میزان نیت مشترک در میان آن‌ها متفاوت است) نیست، به‌ویژه با وجود نیاز به در نظر گرفتن محدودیت‌های زمانی مشارکت‌کنندگان بنا بر مسئولیت‌های دیگر و اصلی که هریک به عهده دارند.

تصمیم‌گیری بخش عمومی که در تدوین آن مشارکت داشتند، در همکاری برای اجرای آن متعهد شوند. به‌ویژه اینکه انجمن شورایی این محله نیز دارای پیشینه پیگیری مشکلات و خواسته‌های افراد ساکن در این محله است.

ب. چارچوب‌های پایه برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در شهر تهران: در واحدهای تحلیل این مقاله فرصت‌های زیر در دو زمینه تبادل اطلاعات میان ذی‌نفعان و وجود مکان مورد نیاز برای برگزاری سازوکارهای همکارانه به شرح زیر شناسایی شد: - فرصت‌های موردی برای تبادل اطلاعات میان عوامل تصمیم‌گیری رسمی و دیگر ذی‌نفعان: جلسه‌ها و ملاقات‌های عوامل رسمی تصمیم‌گیری در منطقه یک شهر تهران با اعضای انجمن‌های شورایی محلات و افراد ساکن در این منطقه در این مقاله فرصت‌هایی شناسایی شده در زمینه تبادل اطلاعات میان عوامل تصمیم‌گیری و ذی‌نفعان به‌شمار آمدند. در کوچک‌ترین سطح تحلیل یعنی در محله اوین، به دلیل ارتباط بیشتر میان اعضای انجمن شورایی و افراد ساکن، این فرصت با قوت بیشتری قابل شناسایی بود.

- وجود مکان قابل‌استفاده برای برگزاری سازوکارهای همکارانه: وجود سابقه برگزاری جلسه‌هایی برای گفت‌و شنود و تصمیم‌گیری در امور گوناگون مربوط به محله (چون برگزاری مراسم در مناسبت‌های مذهبی) موجب شده که مکان‌هایی در محله باشد که از یک سو، برگزاری جلسه‌ها در آنها اعتماد افراد ساکن به بی‌طرفی برگزارکنندگان جلسه‌ها را مخدوش نمی‌کند و از سوی دیگر، امکان تجهیز کردن آنها بر اساس اهداف و دستور کار هر جلسه فراهم است.

**۶. نتیجه و رهنمود: تقویت فرصت همکاری در پایه‌گذاری یک سیستم سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران**  
درخواست برای در نظر گرفتن پیامدهای یک سیاست بر دیگر

این مانع با پیوسته نبودن مسئولیت‌های عوامل تصمیم‌گیری در شهر تهران تشدید می‌شود، زیرا میل به سرعت بخشیدن به فرایند تصمیم‌گیری و تولید و اجرای سیاست‌ها (همچون برآمد مسئولیت سازمانی هر یک از عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری) در چنین شرایطی افزایش می‌یابد.

دوم. فرصت‌های به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران: در سه سطح تحلیل این مقاله، فرصت‌هایی در دو زمینه کلان ساختار تصمیم‌گیری و سازمانی لازم برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در شهر تهران، و چارچوب‌های پایه برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در شهر تهران، شناسایی شد:

الف. ساختار تصمیم‌گیری و سازمانی لازم برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در شهر تهران: در نخستین واحد تحلیل این مقاله، یعنی شهر تهران، تشکیل نهاد برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه شهری تهران و شورای راهبری تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران، به طور مشترک و با تفاهم‌نامه میان شهرداری تهران و وزارت مسکن و شهرسازی در زمان انجام پژوهش پایه این مقاله در سال ۱۳۸۸ (وزارت راه و شهرسازی در زمان تدوین این مقاله)، را می‌توان فرصتی برای پایه‌گذاری سازوکارهای ارتباط و همکاری میان عوامل تصمیم‌گیری اثرگذار بر تهیه و اجرای اسناد برنامه‌ریزی شهری تهران دانست. در سال ۱۳۸۹ با ادغام این نهاد در مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، وظایف آن به شهرداری تهران واگذار شد و فرصت همکاری و هماهنگی بین سازمانی در حیطه برنامه‌ریزی شهری از راه این نهاد از بین رفت. این نهاد می‌توانست با اصلاح روابط خود با عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری رسمی و غیررسمی فرصتی برای گسترش سازوکار همکاری و هماهنگی میان عوامل تصمیم‌گیری در شهر تهران باشد. در کوچک‌ترین واحد تحلیل این مقاله، یعنی محله اوین در منطقه یک شهر تهران نیز تدوین سند توسعه محله باعث شده که آن دسته از عوامل

138. J.A. Booth & P.B. Richard, "Civil Society, Political Capital, and Democratization in Central America", p. 2.

139. Innes, et al, *ibid*, p. 53

۱۴۰. روش‌های اطلاعات- سوی انتخاب نمونه (-information led case selection) در مقابل روش‌های انتخاب انقاسی انتخاب نمونه (random selection case) روش‌هایی هستند که برای پیشینه‌کردن استفاده از اطلاعات کسب‌شده از نمونه‌های کوچک و منفرد به کار می‌روند. در این روش‌ها نمونه‌ها بر پایه اطلاع از محتوای اطلاعاتی آنها انتخاب می‌شوند.

141. Flyvbjerg, "Five Misunderstandings About Case-Study Research", pp. 230-231.

۱۴۲. این سابقه مربوط به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مورد ساخت زمین برای فعالیت ورزشی در سطح اداری محله اوین با مشارکت کمیته ورزشی انجمن شورایی محله اوین است که به علت حجم زیاد مقاله حذف شده‌اند.

143. Valid

144. Denotation

145. K. Krippendorff, *Content Analysis, an Introduction to its Methodology*, pp. 18-21.

۱۴۶. نک: آل. باردن، تحلیل محتوا.

147. barrier analysis

۱۴۸. در فن سوات (strengths, weaknesses, opportunities and threats -SWOT) منابع یا درون‌داده‌های تحت اختیار سیستم، فرایندهای تبدیل یا راهبردهای جاری سیستم و فرآورده‌های تولیدشده یا بروندادهای تحت کنترل سیستم عوامل درونی را تشکیل می‌دهند که نقاط قوت (strengths) یا ضعف (weaknesses) سیستم هستند و عدم قطعیت‌ها، تهدیدها و قیود (constraints)، و تهدیدها (threats) دربارهٔ زیرسیستم‌های کالبدی- فعالیتی، طبیعی، تصمیم‌گیری، و ارزشی عوامل بیرونی هستند که در دو دستهٔ فرصت‌ها (opportunities) از یک سو و قیود و تهدیدها از دیگر سو قرار می‌گیرند (نک: حقجو، زندیه، ابراهیم‌نیا، «چارچوب به‌کارگیری فن SWOT در برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر تفکر راهبردی»، ص ۸۴-۸۵. 149. Ajmal, ibid, pp. 55-56. 150. Thomas, ibid, pp. 54-55; Holland, ibid, pp. 168-176. ۱۵۱. مصاحبهٔ نیمه- ساختاریافته (semi-structured interview) روش برای جمع‌آوری داده‌ها است که در آن برخلاف مصاحبهٔ ساختاریافته (structured interview) که با مجموعه‌ای از پیش‌تعیین‌شده از پرسش‌ها سؤال می‌شود، پژوهشگر مصاحبه را با داشتن چارچوبی از مفاهیم، که قصد تحلیل آن‌ها را دارد، آغاز می‌کند و بر اساس پاسخ‌های پرسش‌شونده و اندیشه‌هایی جدیدی که ←

سیاست‌ها و اطمینان از سازگاری سیاست‌ها در بخش‌ها و سطوح مختلف، فراهم کردن امکان دستیابی به توازن میان موضوعات اجتماعی، اقتصادی، و محیطی، و دستیابی به اهداف میان‌برشی، کاهش تکرار در فرایندهای افقی و عمودی سیاست‌گذاری، و تمرکز بیشتر بر دستیابی به اهداف مجموعهٔ نهادهای بخش عمومی به‌جای اهداف بخش سو (که اجزای متشکلهٔ بخش عمومی را به صورت مجزا در نظر می‌گیرد) توجه به یکپارچگی را در سیاست‌گذاری افزون کرده است. در این مقاله رهیافت همکارانه با ایجاد ظرفیتی برای بُرداری در برابر تصمیم‌های ناسازگار با منافع ذی‌نفعان مختلف و ایجاد هماهنگی میان اقدام‌ها و اعمال عوامل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های مختلف، پایه‌ای برای سیاست‌گذاری یکپارچه در برنامه‌ریزی شهری معرفی شده است. در حالی که افزایش تعداد سطوح سیاست‌گذاری و بین‌وابستگی میان آن‌ها و افزایش اهداف میان‌برشی، تحقق یکپارچگی تصمیم‌ها و سیاست‌های عناصر متعدد تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در بزرگ‌شهری چون تهران را با دشواری روبه‌رو می‌کند. این دشواری به تعدد عناصر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و آماده نبودن محیطی مناسب برای یکپارچگی تصمیم‌ها و سیاست‌ها در این بزرگ‌شهر مربوط است که در نبود یا ضعف سازوکارهای قانونی مناسب ارتباط و همکاری میان آن عناصر، دستیابی به هم‌رأیی و هماهنگی سیاسی، به عنوان برآمد نهایی سیستم سیاست‌گذاری، در این شهر دشوار و حتی ناممکن شده و به ناسازگاری تصمیم‌ها و سیاست‌ها منجر شده است که در آخر موجب پیدایش مشکلات جدید، باز-رخ‌دهنده و گاه گشوده‌ناشدنی می‌شود.

به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران از یک سو، نیازمند برطرف کردن مشکلات و کاستی‌های اولیه و ابتدایی برنامه‌ریزی بزرگ‌شهری و رعایت اصول پایهٔ هماهنگی‌های درون‌سازمانی و سپس بین‌سازمانی است و از سوی دیگر، به‌شدت متکی است بر از میان بردن موانع ردیابی شده در این مقاله. البته، خواست سیاسی

برای تغییر، اصلاح، و یا ایجاد چارچوب‌های حقوقی و رسمی پشتیبان رهیافت همکارانه در سیستم برنامه‌ریزی شهری ریشه و اساس رفع چنین موانعی است. با وجود محدودیت‌های ماهوی و زیرکار رهیافت همکارانه، از نظر طولانی بودن فرایند راه‌اندازی و دشواری ایجاد هم‌رأیی در آن چارچوب و دشواری تعیین ذی‌نفعان، به علت نبود راهی موجه (چه از نظر علمی و دانش‌پژوهانه و چه از نظرهای سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی) و بی‌طرفانه برای انجام آن، ردیابی نتایج به‌کارگیری آن در دستیابی به یکپارچگی در سیاست‌گذاری شهرها- به طور کلی و شهر تهران در این مقاله- نیازمند افزایش ظرفیت نه‌فقط سیستم برنامه‌ریزی شهری، بلکه تمامیت سیستم سیاسی و سازمانی است، به صورتی که محصول آن پایداری تصمیم‌ها برای به‌کارگیری چنین رهیافتی است که بر پایهٔ همکاری قرار دارد. این امر نیازمند بُرداری بخش‌های عمومی و خصوصی و نیز کل جامعه در ردیابی و دستیابی به نتایج پایه‌گذاری ساختار سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران است.

## ۴. دستاورد

در این مقاله کوشش شده که نقش رهیافت همکارانه در دستیابی به یکپارچگی در سیاست‌گذاری شفاف شود. گرچه در برخی پژوهش‌ها و تجارب مربوط به سیاست‌گذاری یکپارچه در کشورهای بیشتر توسعه یافته، به‌ویژه برخی کشورهای اروپایی<sup>۱۵۵</sup> و ایالات متحد آمریکا<sup>۱۵۶</sup>، به این نقش اشاره شده، اما کمتر به انگاشت‌پردازی<sup>۱۵۷</sup> آن پرداخته شده است. تدقیق ارتباط این دو زمینهٔ پژوهشی، یعنی «رهیافت همکارانه» و «سیاست‌گذاری یکپارچه» در برنامه‌ریزی شهری، دستاورد نخست مقاله را تشکیل می‌دهد. دستاورد دوم مربوط به تدوین عناصر اصلی و اصول پایهٔ به‌کارگیری رهیافت همکارانه برای سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران و استفاده از آن‌ها است. تحلیل این عناصر اصلی و اصول پایه نشان از محدودیت‌های گستردهٔ سیستم برنامه‌ریزی شهری برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه

→ از این پاسخ‌ها دریافت می‌کند، مصاحبه را پیش می‌برد. این روش، به‌ویژه برای کشف باورها و اندیشه‌های افراد در مورد موضوعات پیچیده، به کار می‌رود، زیرا پژوهشگر قادر است از مصاحبه‌شونده بخواهد اطلاعات و روشن‌سازی بیشتری را بیان کند.

۱۵۲. مرز یا آستانه اشباع (saturation) یعنی مرحله‌ای که در آن هیچ داده جدیدی به دست نیاید و آنچه موجود است تکرار داده‌های قدیمی باشد.

۱۵۳. ماتریس مربوط به عوامل تصمیم‌گیری در این زمینه‌ها و در سطوح ملی، استانی، شهری، و نواحی خرد شهری به علت حجم زیاد مقاله حذف شده است. نهاد تهیه طرح جامع و تفصیلی شهر تهران اعلام کرد که [فقط] برنامه‌های نهادهایی که برنامه مشخصی داشته‌اند را در برنامه‌های موضعی و موضعی برنامه جامع گنجانده است (نک: گزارش‌های تفصیلی کارگاه‌های نقد محتوای طرح جامع تهران).

۱۵۴. با این توجه که در برخی از تجارب جهانی (نک: Harris, ibid; Healey, ibid) به اهمیت تغییر نقش برنامه‌ریزان از متخصصانی که با دانش فنی خود برای همه مردم در جامعه تصمیم‌گیری می‌کنند، به تسهیلگرانی که امکان شنیده شدن نظرات همه ذی‌نفعان را فراهم می‌کنند، تأکید شده است.

155. Shannon & Schmidt, ibid; Briassoulis, ibid; Underdal, ibid; Hovik & Stokke, ibid.

شهری است که دارای پیشینه اندک به‌کارگیری در این انتظام است. پیشنهاد این مقاله برای ادامه کار بر روی این موضوع پژوهشی با استفاده از این فن، شناخت سلسله‌مراتب اهمیت فرصت‌ها (یا پیشبرنده‌ها) و موانع (یا بازدارنده‌ها) و کوشش در بهره‌گیری بیشتر از فرصت‌ها و کاهش و در صورت امکان حذف موانع برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در پایه‌گذاری سیاست‌گذاری یکپارچه در شهر تهران است.

Thinking", in *Long Range Planning*, 18 (5)(1985), pp. 55-60..

Alexander, E.R. "Institutional Transformation and Planning: From Institutionalization Theory to Institutional Design", in *Planning Theory*, 4(3) (2005), pp. 209-223.

Allmendinger, P. *Planning Theory*, 2<sup>nd</sup> ed., UK, Hampshire: Palgrave, 2009.

Bell, S. *Institutionalism, in Government, Politics, Power and Policy in Australia*, 7<sup>th</sup> ed., Summers, J (ed.), NSW, Australia: Pearson Education Australia, 2002.

Benecke, G. & W. Schurink & G. Roodt. "Towards a Substantive Theory of Synergy", in *SA Journal of Human Resource Management*, 5(2)(2007), pp. 9-19.

Berger, G. & R. Steurer. "Horizontal Policy Integration and Sustainable Development: Conceptual Remarks and Governance Examples", *European Sustainable Development Network Quarterly Report*, 2009.

Birner, R. & H. Wittner. "Converting Social Capital into Political Capital: How do Local Communities Gain Political Influence?", Conference Paper Submitted to International Association for the Study of Common Property, 2000.

Boella, G. & L. van der Torre. "Coordination and Organization: Definitions, Examples and Future Research Directions", in *Electronic Notes in Theoretical Computer Science*. 150(3) (2006), pp. 3-20.

Booher, D., & J. Innes. "The Impact of Collaborative Planning on Governance Capacity, Institute of Urban &

در شهری چون شهر تهران، هم در زمینه عناصر مربوط به سازوکارهای پشتیبان قانونی و سازمانی در بخش عمومی برای به‌کارگیری رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری و هم در زمینه تغییرهای مورد نیاز در سازوکار برنامه‌ریزی شهری برای به‌کارگیری رهیافت مذکور، دارد. در زمینه به‌کارگیری روش‌های تحلیل نیز دستاورد این مقاله استفاده و کوشش در تعیین چگونگی مناسبت فن تحلیل میدان نیرو برای به‌کارگیری در برنامه‌ریزی

## منابع و مأخذ

ایسنا. «گزارش‌های تفصیلی اولین کارگاه نقد محتوای طرح جامع تهران»، بخش اول، قابل دسترسی در: [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، (تاریخ دسترسی: ۶ مهر ۱۳۸۸).

باردن، ال. *تحلیل محتوا*، ترجمه م. آشتیانی و یمینی م. دوزی سرخابی، نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

حقجو، م و س. زندیه و و. ابراهیم‌نیا. «چارچوب به‌کارگیری فن SWOT در برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر تفکر راهبردی»، در *مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، ش ۳ (پاییز ۱۳۹۲)، ص ۷۷-۹۸.

دانشپور، ز. *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری*، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.

دانشپور، ز. و و. ابراهیم‌نیا و م. محمودپور. «تدبیر چارچوب مدیریت دانش برای سیاست‌گذاری یکپارچه در کلان‌شهر تهران»، در *هنرهای زیبا*، دوره ۱۹، ش ۱ (بهار ۱۳۹۳)، ص ۵۷-۷۰.

شهرداری منطقه یک شهر تهران. *سند توسعه محله‌ای منطقه یک شهر تهران در سال ۱۳۸۸*.

مهندسین مشاور بافت شهر. *الگوی توسعه منطقه یک شهر تهران*، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، ۱۳۸۴.

\_\_\_\_\_ . *بررسی مسائل توسعه شهری منطقه یک شهر تهران*، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، ۱۳۸۲.

مهندسین مشاور بوم‌سازگان. *سند اصلی مصوب طرح جامع شهر تهران*، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۶.

Ajimal, K.S. "Force Field Analysis A Framework for Strategic

- Cities World Summit*, Istanbul, Turkey, (KCWS-2013) (9-12 September 2013), pp. 378-390.
- Davis Jr. & P. Thomas. "Food for the Hungry, Barrier Analysis: A Tool for Improving Behavior Change Communication in Child Survival and Community Development Programs", Washington, DC, USA, 2004.
- Davis, Jr., & P. Thomas. "Barrier Analysis Facilitator's Guide: A Tool for Improving Behavior Change Communication in Child Survival and Community", in *Development Programs, Food for the Hungry*, Washington, D.C., 2004.
- Deduction & Induction, *Research Methods Knowledge Base* (2006), available online at: <http://www.socialresearchmethods.net/kb/dedind.php>, (accessed in 12 22 2014).
- DiSessa, A.A. "The Construction of Causal Schemes: Learning Mechanisms at the Knowledge Level", in *Cognitive Science*, 38 (5) (2014), pp. 795-850,
- Edier, W.J. "The New Regionalism", in *The Economic Journal*, 108 (449)(1998), pp. 1149-1161.
- Faludi, A. "The Performance of Spatial Planning", in *Planning Practice and Research*, 15(4) (2000), pp. 229-318.
- Feinstein, S.S. "New Directions in Planning Theory", The Planning Research conference, The University of Sheffield, 1999.
- Flyvbjerg, M. "Five Misunderstandings about Case-Study Research", in *Qualitative Inquiry*, 12 (2) (2006), pp. 219-245
- Forster, J. *Planning in the Face of Power*, Berkeley, CA: University of California Press, 1989.
- Franco, A.L. & M. Cushman & J. "Rosenhead. Facilitating Collaboration Across Organisational Boundaries: An Exploratory Study Using Problem Structuring Methods", presented at *Coordination and Cooperation across Organisational Boundaries*, April 2006, pp. 20-21 Dipartimento Scienze dell'Economia e della Gestione Aziendale, Università Cattolica Milan, Italy, available online at: <http://eprints.lse.ac.uk/8070/> (accessed in 06 09 2012).
- Friedman, J. *Retracking America- A theory of Transactive Planning*, New York: Anchor Press, 1973.
- Geerlings, H. & D.Stead. Integrating Transport, Land-Use Regional Development", *IURD Working Paper Series, Paper WP-2003-03*, available online at: <http://repositories.cdlib.org/iurd/wps/WP-2003-03>, (accessed 04 20 2006).
- Booth, J.A., & P.B. Richard. "Civil Society, Political Capital, and Democratization in Central America", Prepared for Presentation at the XXI International Congress of the Latin American Studies, Association, Mexico: Guadalajara, 1997.
- Bornemann, B. "Sustainable Development and Policy Integration- Some Conceptual Clarifications", in *Paper for the Marie Curie Summer School on Earth System Governance*, Vrije Universiteit Amsterdam, 2007.
- Boundless. *Increasing Coordination, Boundless Business, Boundless*, available online at: <https://www.boundless.com/business/textbooks/boundless-business-textbook/organizational-structure-9/trends-in-organization-68/increasing-coordination-326-3984/> (access in 11 26 2014).
- Brand, R. & F. Gaffikin. "Collaborative Planning in an Uncollaborative World", in *Planning Theory*, 6 (3) (2007), pp. 282-313.
- Briassoulis, H. "Complex Environmental Problems and the Quest for Policy Integration", in Briassoulis, H. (ed.), *Policy Integration for Complex Environmental Problems*, Aldershot, Greece: Asggate, 2005.
- Briassoulis, H. "Policy Integration for Complex Policy Problems: What, Why and How", Paper presented at the Berlin Conference "Greening of Policies: Interlinkages and Policy Integration", 2004.
- Buser, M. & S. Farthing. "Spatial Planning as an Integrative Mechanism: A Study of Sub-regional Planning in South Hampshire", in *England.Planning Practice and Research*, 26(3)(2011), pp. 307-324.
- Christensen, K.S. *Cities and Complexity- Making Intergovernmental Decisions*, London, UK: Sage, 1999.
- Cowell, R.J.W. & S.J. Martin.. "The Joy of Joining up: Modes of Integrating the Local Government Modernisation Agenda", in *Environment and Planning C Government and Policy*, 21(2)(2003), pp. 159-179.
- Daneshpour, Z. A. & A. Mahmoudpour & V. Ebrahimi. "A Knowledge Management Framework for Integrated Policy-Making in Tehran", in *Proceedings The 6th Knowledge*
۱۵۶. نک:
- J. Innes, & J. Gruber. & M. Neuman, & R. Thompson. "Coordinating Growth and Environmental Management through Consensus Building". ۱۵۷. انگاشت‌پردازی (concept-tualisation) به‌معنای گردآوری انگاشت‌ها و موضوعاتی که تصور می‌شود در یک عرصه پژوهشی دارای ارتباط با یکدیگر هستند و بیان ارتباط میان آن‌ها به شیوه‌ای موجز است، به طوری که معرف موجودیت و رابطه میان آن‌ها باشد.





- Sage, 2010.
- Innes, J. "Planning Theory's Emerging Paradigm: Communicative Action and Interactive Practice", in *Journal of Planning Education and Research*, 14(3)(1995), pp. 183-90.
- Innes, J. & J. Gruber & M. Neuman & R. Thompson. "Coordinating Growth and Environmental Management through Consensus Building", Report to the California Policy Seminar, Vol. 1, Berkeley: University of California, 1994.
- Innes, J.E. & D.E. Booher. "Consensus Building and Complex Adaptive Systems", in *Journal of the American Planning Association*, 65 (4)(1999), pp. 412-423.
- Innes, J.E. & D.E. Booher. "Consensus Building as Role Playing and Bricolage", in *Journal of the American Planning Association*, 65(1)(1999), pp. 9-26.
- Kidd, S. "Towards a Framework of Integration in Spatial Planning: an Exploration from a Health", in *Planning Theory & Practice*, 8(2)(2007), pp. 161-181.
- Knox, C. "Joined-up Government", in *Policy and Politics*, 31(2003), pp. 20-35.
- Krippendorff, K. *Content Analysis, an Introduction to its Methodology*, 3<sup>rd</sup> edition, California; Sage Publications, 2013.
- Kroesena, M. & C. Bröer. "Policy Discourse, People's Internal Frames, and Declared Aircraft Noise Annoyance: an application of Q-methodology", in *Journal of Acoustical Society of America*, 126 (1)(2009), pp. 195-207.
- Lovering, J. "Theory Led by Policy: The Inadequacies of the New Regionalism- Illustrated from the Case of Wales", in *International Journal of Urban and Regional Research*, 23 (2) (2002), pp. 379-395.
- Lowndes, V. "Varieties of New Institutionalism", in *Public Administration*, 74 (2)(1996), pp. 181-97.
- Lukes, S. *Power: A Radical View* (Vol. 1), London: Macmillan, 1974.
- Marr, B. & G. Schiuma & A. Neely. "Intellectual Capital- Defining Key Performance Indicators for Organizational Knowledge Assets", in *Business Process Management Journal*, 10 (5)(2004), pp. 551-569.
- Planning and Environment Policy in European Countries, EJTI, 2 (3/4): 215-232.
- Giddens, A. *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*, University of California Press, 1984.
- Gray, B. "Conditions Facilitating Interorganizational Collaboration", in *Human Relations*, 38 (10)(1985), pp. 911-936.
- Hajer, M. & H. Wagenaar. *Introduction, in Deliberative Policy Analysis - Understanding Governance in the Network Society*, Cambidg: Cambridge University Press, 2003.
- Hajer, M. *The Politics of Environmental Discourse*, Clarendon, Oxford: Ecological Modernization and the Policy Process, 1995.
- Hall, P.A. & R. Taylor. "Political Science and the Three New Institutionalisms", in *Political Studies*, 4 (5)(1998), pp. 936-957.
- Hall, S. "The Question of Cultural Identity", in S. Hall, Held, D., & McGrew, T. (eds.), *Modernity and it's Futures*, Cambridge, UK; Polity Press, 1992.
- Harris, N. "Collaborative Planning: From Theoretical Foundations to Practice Forms", in Tewder-Jones, M & P. Allmendinger (eds.), *Planning Futures: New Directions for Planning Theory*, London, UK: Routledge Press, 2002.
- Healey, P. "Collaborative Planning; Shaping Places in Fragmented Societies", Vancouver: UBC Press: 1997.
- Holden, M. "Is Integrated Planning any More than the Sum of Its Parts? Considerations for Planning Sustainable Cities", in *Journal Of Planning Education and Research*, 32 (3)(2012), pp. 305-318.
- Holland, J. *Tools for Institutional, Political, and Social Analysis of Policy Reform: A Sourcebook for Development Practitioners*, Washington DC: World Bank Publications, 2007.
- Hovik, S. & K.B. Stokke. "Network Government and Policy Integration- the Case of Regional Coastal Zone Planning in Norway", in *European Studies*, 15(7)(2007), pp. 927-944.
- Howlet, M. & M.Ramesh & A. Perl. *Studying Public Policy*, 3<sup>rd</sup> ed., Toronto: Oxford University Press, 2009.
- Hutchinson, R. *Encyclopedia of Urban Studies*, London:

- Stead D, & E. Meijers. "Policy Integration in Practice: Some Experiences of Integrating Transport, Land Use Planning and Environmental Policies in Local Government", in *Paper Presented at The Conference on the Human Dimensions of Global Environmental: Greening of policies-interlinkages and Policy Integration*, 2004.
- Stead, D. & E. Meijers. "Spatial Planning and Policy Integration: Concepts, Facilitators and Inhibitors", in *Planning Theory & Practice*, 10 (3)(2009), pp. 317-332.
- Sternberg, R.J., & K. Sternberg. *Cognitive Psychology*, 6<sup>th</sup> ed, Belmont: Wadsworth:, 2012.
- Stol, H. *A Framework for Evidence-Based Policy-Making Using IT*, Netherlands: Eburon, Delft, 2009.
- Swartz, D. L. "Recasting Power in its third Dimension", Review of S. Lukes, "Power: A Radical View", in *Theory and Society*, New York: Palgrave Macmillan, 36 (1)(2005), pp. 103-109.
- Thomas, J. "Force Field Analysis: A New Way to Evaluate Your Strategy", in *Long Range Planning*, 18(6)(1985), pp. 54- 59.
- Tsekos, T. "Towards Integrated Policy Making: Remediating the Public Action Dichotomy through Information and Communication Technologies and Learning", in Rosenbaum, A. & Gajdosova L, (eds.), *State Modernization and Decentralization. Implications for Education and Training in Public Administration: Selected Central European and Global Perspectives*, International Association of Administration Worldwide, 2003.
- Turner, J. H. "The Theory of Structuration", in *American Journal of Sociology*, 91 (1986), pp. 060- 977.
- U.S. Army Corps of Engineers (USACE), *Collaborative Planning Toolkit*, Institute for Water Resource, available online at: <http://www.svp.iwr.usace.army.mil/CPToolkit> (accessed in 09 23 2009).
- Underdal A. "Integrated Marine Policy—What? Why? How?", in *Marine Policy*, 4 (3)(1980), pp. 159-69.
- Wallace, R.J. *Practical Reason*, the *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Zalta, E. N. (ed.), 2009, available online at: <http://plato.stanford.edu/archives/sum2009/entries/practical-reason/>, (accessed in 07 25 2014).
- North, D.C. *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press, 1990.
- Ostrom, E. *Governing the Commons*, Cambridge University Press, 1990.
- Peters, B.G. "Managing Horizontal Government, the Politics of Coordination", in *Research Paper*, No. 21, Ottawa: Canadian Centre for Management Development, 1998.
- Rakodi, C. "Politics and Performance: the Implications of Emerging Governance Arrangements for Urban Management Approaches and Information Systems", in *Habitat International*, 27(4)(2003), pp. 523-547.
- Reed , M.S. & A.C. Evely & G. Cundill & L. Fazey & J. Glass. & A. Laing & J. Newig & B. Parrish & C. Prell & C. Raymond & L. Stringer. "What is Social Learning", in *Ecology and Society*, 15 (4)(2010), ND.
- Rittel, H.W.J. & M.M. Webber. "Dilemmas in a General Theory of Planning", in *Policy Sciences*. 4 (1973), pp. 155-169.
- Robert, J. Stumm, J.M. T., de Vet & C.J. Reincke & M. Hollanders & M.A. Figueiredo. "Spatial Impacts of Community Policies and Costs of non-co-ordination", ERDF Contract 99.00.27.156, Directorate-General "Regional Policy" European Commission, Brussels, 2001.
- Rydin, Y. & M. Pennington. "Public Participation and Local Environmental Planning: the Collective Action Problem and the Potential of Social Capital", in *Local Environment*, 5 (2)(2000), pp. 153-169.
- Seal, S. *Researching Society and Culture*, 3<sup>rd</sup> ed., London: Sage, 2012.
- Selin, S. & D. Chavez. "Developing a Collaborative Model for environmental Planning and Management", in *Environmental Management*, 19 (2)(1995), pp. 189-195.
- Shannon, M. A. & C.H. Schmidt. "Theoretical Approaches to Understanding Intersectoral Policy Integration", in Tikkanen I & P. Gluck & H. Pajujoja (eds), *Cross-sectoral Policy Impacts on Forests, Proceedings of European Forest Institute*, 46 (2002), pp. 15-26.
- Shotter, J. *Conversational Realities: Constructing Life through Language*, London: Sage, 1993.